



## Investigating the violation of the regulations governing the laws of international hostilities by the Iraqi government in the Tahmi War

Hassan Faraji \*

Master of family law, Islamic Azad University,  
Khoy branch, West Azerbaijan, Iran.

### Abstract

The war has many unfortunate effects that cannot be hidden, and it is not possible to collect the history of all the wars and crimes committed by the Iraqi government against Iran because there are many obstacles in this path, including the extent of this war, the concealment of many of the crimes of this regime, the number and complexity of the organizations involved in this war, and the disappearance of a number of agents of these crimes at the hands of other agents; the factors that the Iraqi government violated during the eight-year war, which was a clear example of violation of international regulations, and acted contrary to international obligations. This study investigates the position of humanitarian law and the law of hostilities in the war between Iraq and Iran, the definition of legitimate defense, the claims of the Iraqi government, the position of legitimate defense and also aggression, the illegal actions of the Iraqi government which is a clear example of aggression in the eight-year war, and finally, the role of trans-regional governments in the war between Iraq and Iran. In this article, while referring to the history of conflict law, humanitarian law, legitimate defense, the role of trans-regional countries, aggression, weapons of mass destruction and the role of the United Nations in the Iraq-Iran war, the author has explored the case study of the Iraq-Iran war as much as possible.

**Keywords:** conflict law, humanitarian law, legitimate defense, aggression of trans-regional states

Received: 31/January/2023

Accepted: 06/May/2023

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## بررسی نقض مقررات ناظر بر حقوق مخاصمات بین‌المللی توسط دولت عراق در جنگ تحمیلی

فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد حقوق خانواده از دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی،  
آذربایجان غربی، ایران.

حسن فرجی \*

### چکیده

جنگ آثار ناگوار متعددی دارد که قابل کتمان نیست. جمع‌آوری تمامی تاریخچه جنگ و جنایات حکومت عراق علیه ایران امکان‌پذیر نیست چراکه موانع متعددی در این مسیر وجود دارد، از جمله گستردگی این جنگ، مخفی ماندن بسیاری از جنایات این رژیم، تعدد و پیچیدگی سازمان‌های عامل در این جنگ و از بین رفتن تعدادی از عوامل این جنایات به دست عوامل دیگر. عواملی که مصداق بارز نقض مقررات بین‌المللی بوده و دولت عراق در طول جنگ هشت‌ساله این مقررات را زیر پا گذاشته و برخلاف عرف تعهدات بین‌المللی عمل نموده است. در این مقاله، جایگاه حقوق بشردوستانه و حقوق مخاصمات در جنگ عراق علیه ایران، تعریف دفاع مشروع، ادعاهای دولت عراق، جایگاه دفاع مشروع و همچنین تجاوز، اعمال غیرحقوقی دولت عراق که مصداق بارز تجاوز در جنگ هشت‌ساله محسوب می‌شود و در آخر چگونگی نقش دولت‌های فرامنطقه‌ای در جنگ عراق علیه ایران مطرح شده است. در این رساله، ضمن اشاره به پیشینه حقوق مخاصمات، حقوق بشردوستانه، دفاع مشروع، نقش کشورهای فرامنطقه‌ای، تجاوز، سلاح‌های کشتار جمعی و نقش سازمان ملل در جنگ عراق علیه ایران با مطالعه موردی جنگ عراق و ایران در حد توان از سوی نگارنده مورد کنکاش واقع شده است.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق مخاصمات، حقوق بشردوستانه، دفاع مشروع، تجاوز دولت‌های فرامنطقه‌ای

## مقدمه

حماسه هشت سال دفاع مقدس بی‌شک از مهم‌ترین و ماندگارترین دوران تاریخ پرفرازونشیب ایران است که درس‌های زیادی را به‌ویژه به نسل جوان ایران‌زمین آموخت؛ حماسه‌ای که با وجود حمایت همه‌جانبه کشورهای استکباری و حتی سازمان‌های به‌ظاهر بی‌طرف بین‌المللی از رژیم متجاوز عراق علیه ایران و مظلومیت و بی‌پناهی ملت ایران، با پایمردی و جان‌فشانی جوانان باغیرت ایرانی، برگی بی‌بدیل از شجاعت و شهامت را در تاریخ کشور به یادگار گذاشت. فجایع برجای‌مانده از جنگ عراق علیه ایران از سوی رسانه‌های غربی و مدعیان دروغین حقوق بشر و دموکراسی دچار «مرگ خبری» شد و مسکوت ماند. بیش از ربع قرن از این جنایات ضد بشری می‌گذرد و قربانیان این جنگ همچنان با جراحات جسمی و روحی، در سخت‌ترین شرایط به سر می‌برند.

این چنین خاطره‌هایی در اذهان مردم جهان، بازماندگان این حملات و همچنین، مردم کشورهای بی‌تأثیر تسلیحات کشتار جمعی قرار گرفته‌اند، باید با اتحاد، پیام محکمی از جمله خاتمه دادن به تکرار چنین فجایع غیرانسانی را به جهان ارسال کنند.

در دنیای امروز، اخبار کوچک‌ترین حوادث و وقایع به‌ویژه اگر به دنیای توسعه‌یافته مربوط شود، در اندک زمانی گستره همه رسانه‌های جمعی سراسر جهان را درنوردیده و افکار عمومی ملت‌ها از آمریکای لاتین تا آفریقا و شرق دور را هم‌زمان تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی خبرهای مربوط به جنایات این جنگ هشت‌ساله به اندازه یک خبر معمولی هم در رسانه‌های قدرتمند جهان مطرح نشد و نمی‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود که اگر قدرت‌های بزرگ صنعتی و رسانه‌ای بنا به سیاست‌های منفعت‌جویانه خود، مایل به افشای این جنایات و افزایش آگاهی عمومی در این خصوص نیستند، ما که خود قربانی آن هستیم، چه اقداماتی را صورت داده‌ایم؟ چقدر به دنیا اطلاع‌رسانی کرده‌ایم؟

تلاش جهانی برای تأسیس و ایجاد یک نظام عدالت بین‌المللی کارآمد و مؤثر، چندین دهه به طول انجامید. در این راستا، جامعه جهانی خود را موظف می‌دید تا عکس‌العمل شدیدتری را در مقابل جنایات بین‌المللی، جنگی و بشری از خود نشان دهد. نخستین تلاش اصلی به‌منظور مهار جنایات و جرائم بین‌المللی بر اساس حقوق بین‌الملل پس از جنگ جهانی اول آغاز شد. کشورهای فاتح جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۹، کنفرانس صلحی را در ورسای تشکیل دادند و تصمیم گرفتند تا ناقضان حقوق بشریت و اخلاق بین‌المللی محاکمه شوند.<sup>۱</sup>

این جنگ تلخ و دل‌خراش که یاد آن هر انسانی را شرم‌زده می‌کند و یاد کسانی که نسبت به این جنایات غیرانسانی، بی‌تفاوت مانده‌اند و با توسل به توجیهات منفعت‌جویانه مبتنی بر سیاست زور بنیاد و فارغ از هرگونه ملاحظات انسانی و اخلاقی، به جنایتکاران مدد رساندند تا صحنه تاریکی بر صفحات حیات انسان دنیازده بریده از خدا و اخلاق افزوده شود. این جنگ بار دیگر به یادمان آورد که بشر، علی‌رغم پیشرفت فزاینده و برق آسایش در علم و تکنولوژی و حتی علوم اجتماعی، هنوز در زمینه اخلاق و انسانیت، دوران کودکی را نیز پشت سر نگذاشته است و هرگاه که احساس کند منافعش به خطر افتاده، رفتارهای قابل‌پیش‌بینی نخواهد بود. آنچه امروزه در صحنه بین‌الملل شاهد آن هستیم، تکرار و تداوم تلخی‌ها و نامرادی‌ها است. قدرتمندان مدعی حقوق بشر و دموکراسی، هر روز خود را به سلاح‌های مخرب‌تر مجهز می‌کنند و از سوی دیگر، فعالیت‌های صلح‌آمیز کشورهای مستقل را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد می‌کنند. ما آثار این بی‌عدالتی را بر تن و جان جوانان، زنان و کودکان و سالمندانی که حق تنفس طبیعی، ابتدایی‌ترین حق هر انسانی بوده، سلب‌شده دیدیم. به‌راستی گناه آنان چه بود که با ایجاد هشت سال جنگ علیه مردم ایران از طبیعی‌ترین حقوق خود نیز محروم ماندند؟ قدرتمندان حقوق بشر نه تنها به روی این جنایات چشم خود را بستند بلکه به

۱. فرخی هودر، محمد، دادگاه ویژه عراق در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، ش ۳، س ۱۳۸۵، ص ۲

حمایت جنایات نیز برخاستند. عاملان و حامیان این جنایات جنگی هرگز نخواهند توانست خود را از آنچه در محکمه تاریخ و عدل الهی کرده‌اند، مبرا کنند.

امروزه در حقوق بین‌الملل، منع توسل به زور و تحریم جنگ به اصل و قاعده‌ای بنیادین تبدیل شده است؛ هرچند در بیشتر موارد رفتار کشورها با این اصل چندان هماهنگ و سازگار نیست. این سازگاری بدان معناست که عهدنامه‌ها و کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌الملل به‌طور کلی نتوانسته‌اند برای پیشگیری از جنگ تضمین کافی ارائه دهند. باین حال، توانسته‌اند با وجود ممنوعیت توسل به مخاصمات مسلحانه، با تدوین مقرراتی از وخیم شدن جنایات در آن‌ها بکاهند. رژیم بغداد در توجیه تهاجم خود، آن را اقدامی برای بازپس‌گیری اراضی عربی از جمله سطرالعرب (اروند رود)، عربستان (خوزستان) و جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) اعلام کرد؛ ادعایی بی‌اساس که بهانه‌ای بیش نبود چراکه پیروزی انقلاب اسلامی ایران و وحشت از بروز چنین انقلابی (با توجه به شیعه بودن اکثریت مردم عراق) در عراق و در نتیجه، سرنگونی رژیم بعث عراق به‌منزله مهم‌ترین عامل این تهاجم همه‌جانبه تلقی می‌شد. این رساله فقط گوشه‌ای از عملکرد دولت عراق در جنگ هشت‌ساله علیه جمهوری اسلامی ایران بوده و پرداختی به ابعاد حقوقی و موارد نقض حقوق بشر به دست رژیم عراق، نیازمند تحقیقات بسیار گسترده و درج آن در صدها کتاب است. امید است این کوشش، خدمتی هرچند اندک برای آگاهی هم‌وطنان، دانشجویان عزیز و ملت قهرمان و حماسه‌سازان به حساب آید.

## ۲-۱) سؤال‌های تحقیق

الف- سؤال اصلی:

کدام اعمال دولت عراق در طول جنگ هشت‌ساله مصداق بارز نقض مقررات بین‌المللی است؟

ب- سؤال‌های فرعی

۱- جایگاه حقوق بشردوستانه و حقوق مخاصمات در جنگ عراق علیه ایران چگونه است؟

۲- دفاع مشروع چیست و ادعاهای دولت عراق در دفاع مشروع چه جایگاهی دارد؟

۳- تجاوز چیست و کدام اعمال غیرحقوقی دولت عراق مصداق بارز تجاوز در جنگ هشت‌ساله محسوب می‌شود؟

۴- نقش دولت‌های فرمانطقه‌ای در جنگ عراق علیه ایران چگونه بوده است؟

## ۳-۱) اهداف تحقیق

هدف مشخص این تحقیق، شناسایی بهتر حقوق ایران در زمینه حقوق مخاصمات، تجاوز عراق به ایران، نقش دولت‌های فرمانطقه‌ای، استفاده از سلاح‌های ممنوعه توسط عراق در این جنگ، نقض قوانین و مقررات بین‌المللی، دفاع مشروع و حقوق بشردوستانه نادیده گرفته‌شده توسط دولت عراق در جنگ تحمیلی است. نتیجه کار می‌تواند مورد استفاده نهادهایی همچون وزارت دفاع، ارتش جمهوری اسلامی ایران، مراکز تحقیقاتی دانشگاهی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار گیرد.

## ۴-۱) فرضیه‌های تحقیق

۱- طبق قطعنامه‌ها و گزارش‌های جامعه بین‌الملل، متجاوز بودن عراق در جنگ تحمیلی به اثبات نهایی می‌رسد.

۲- تأثیر منشور ملل متحد به‌ویژه ماده ۵۱ در اصل دفاع مشروع بررسی می‌شود.

۳- جایگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه در نظام حقوقی بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی علیه غیرنظامیان مطرح گردیده است.

در این تحقیق، ابعاد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در حیطه حقوق بین‌الملل در زمینه حقوق مخاصمات و حقوق بشردوستانه، تجاوز عراق، دفاع مشروع و نقش کشورهای فرامنطقه‌ای آشکار می‌گردد که اصول صریح حقوق بین‌الملل بر عدم مداخله در امور سایر کشورها است. همچنین، عدم توسل به زور و پایبندی به معاهدات استواری که متأسفانه کشور ایران در این جنگ هشت‌ساله توسط مدافعان حقوق بشر که نقش مهمی در جنگ تحمیلی ایفا نمودند، مظلوم واقع شد. با پیدا شدن اجساد هزاران انسان که حاصل حمایت‌های همه‌جانبه دولت‌های فرامنطقه‌ای از عراق بوده است، نقض کامل قواعد حقوق بشردوستانه به‌وضوح قابل مشاهده است.

در این پژوهش سعی شده است با باقی ماندن در چارچوب پلان طراحی شده، هر یک از مبانی به اندازه کافی تبیین گردد تا پژوهش، مرحله‌به‌مرحله به سمت یافتن پاسخ به پرسشنامه خود در زمینه‌های نقض حقوق مخاصمات در جنگ علیه ایران هدایت شود.

#### ۱-۵) متغیرهای پژوهش

اقدامات دولت عراق، متغیر مستقل تحقیق بوده و بررسی نقض مقررات ناظر بر حقوق مخاصمات بین‌المللی، متغیر وابسته این پژوهش می‌است که تحت تأثیر متغیر مستقل (اقدامات دولت عراق) قرار می‌گیرد.

#### ۱-۶) پیشینه تحقیق

با بررسی‌های صورت گرفته در منابع مختلف و رساله‌های گذشته مشخص شد که به‌طور مستقیم به بررسی نقض مقررات ناظر بر حقوق مخاصمات بین‌الملل و اصل دفاع مشروع دولت‌های فرامنطقه‌ای نپرداخته‌اند. در بخش حقوق بشردوستانه این رساله به نقض مقررات بین‌المللی توسط دولت عراق علیه ایران اشاره شده است. این موضوع می‌تواند به‌نوعی نوآوری در انتخاب موضوع تلقی شود. منابع با در نظر گرفتن فرهنگ‌های حقوقی و روابط بین‌الملل، کتب حقوقدانان و علمای برجسته حقوق بین‌الملل به رشته تحریر درآمده است. در این تحقیق، بیشتر اسناد سازمان ملل متحد مربوط به جنگ دو دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا نقش بی‌طرف ایران و آغاز کنندگی جنگ از سوی دولت عراق را صراحتاً آشکار سازیم.

#### ۱-۷) نحوه جمع‌آوری داده‌ها و روش تحقیق

پژوهش پیش روی ما به روش توصیفی-تحلیلی بوده و در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی دائره‌المعارف‌ها، کتب حقوقدانان برجسته و اسناد سازمان ملل متحد استفاده شده است. البته، علی‌رغم تحلیلی بودن این پژوهش، سعی شده با ارتباط بین مفاهیم مختلف تحقیق و مقایسه و تطبیق آن‌ها با یکدیگر به استدلال نیز پرداخته شود.

#### ۱-۸) سازمان‌دهی تحقیق

از نظر دسته‌بندی مطالب با در نظر گرفتن مقدمه، مطالب فوق در پنج فصل جداگانه طبقه‌بندی شده است. در فصل نخست، محقق در مقام ارائه کلیات، ساختار، اهداف، فرضیه‌ها، سؤالات تحقیق، فواید و نیز ارائه تعاریفی در خصوص حقوق مخاصمات، حقوق جنگ، حقوق بشردوستانه، دفاع مشروع و تجاوز برآمده است. در فصل دوم، ادبیات تحقیق، تجاوز دولت عراق و دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی با تأکید ویژه بر جنگ عراق علیه ایران تبیین شده است. در فصل سوم، اقدامات دولت‌های فرامنطقه‌ای به‌صورت غیرحقوقی و سیاسی تشریح

گردیده است. در فصل چهارم، حقوق مخاصمات و حقوق بشردوستانه و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ عراق علیه ایران مورد موشکافی واقع شده است. در خاتمه مباحث در فصل پنجم، با یک نتیجه‌گیری کلی به تبیین منابع و مآخذ مبادرت خواهد شد.

## ۹-۱) نوآوری تحقیق

با مطالعه و بررسی‌هایی که در رساله‌های گذشته انجام پذیرفت، رساله‌های پیشین به صورت جامع و کامل به اصل دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، نقض مقررات حقوق مخاصمات بین‌المللی توسط دولت عراق در جنگ علیه ایران و همچنین، کمک‌های دولت‌های فرمانطقه‌ای به دولت عراق نپرداخته‌اند. ما این موارد را مورد کنکاش قرار داده‌ایم که نسبت به سایر رساله‌ها به نوعی نوآوری در تحقیق محسوب می‌شود.

## ۱۰-۱) مفاهیم

- ۱- تعریف جنگ: جنگ یک وضعیت خاص و استثنائی نسبت به حالت صلح و عبارت است از توسل به زور توسط هر یک از تابعان حقوق بین‌الملل که می‌تواند به دو شکل متفاوت نظامی و غیرنظامی ظاهر شود.<sup>۱</sup>
- ۲- حقوق مخاصمات بین‌المللی: حقوق مخاصمات بین‌المللی، بخشی از حقوق بین‌المللی است که در هنگام مخاصمات بر روابط بین کشورها حاکم بوده و هدف آن، کاهش آلام، صدمات و خسارات ناشی از جنگ است.<sup>۲</sup>
- ۳- حقوق بشردوستانه: حقوق بشردوستانه به آن بخش از حقوق بین‌الملل عمومی اطلاق می‌شود که بر کاربرد نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان درگیری مسلحانه حاکم بوده و هدف آن، کاهش رنج و آلام افراد در زمان جنگ و درگیری‌های مسلحانه است.
- ۴- دفاع مشروع: کاربرد قانون زور متقابل در پاسخ به استفاده غیرقانونی قبلی از زور بر اساس دیدگاه منشور ملل متحد یا حداقل تهدید به زور بر اساس تفسیر موسع از حقوق عرفی بین‌المللی تحت شرایطی که حقوق بین‌الملل مقرر داشته است (Inherent Right).
- ۵- مفهوم تجاوز: اصطلاح تجاوز در حقوق بین‌الملل سابقه‌ای طولانی ندارد. این اصطلاح در سال ۱۹۱۹ به تنظیم ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل بازمی‌گردد و مطابق قطعنامه ۱۹۷۴، کاربرد نیروهای مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت و استقلال سیاسی دولت دیگر و مغایر با منشور سازمان ملل متحد را گویند.
- ۶- سلاح‌های کشتار جمعی: سلاح‌هایی که به کارگیری آن‌ها علیه جوامع بشری، به دلیل ایجاد درد و رنج زائد و زجر کش کردن قربانی، ممنوع شده است.<sup>۳</sup>

## ۱-۲) مفهوم تجاوز

اصطلاح تجاوز در حقوق بین‌الملل سابقه‌ای چندان طولانی ندارد و نخستین مورد چنین اصطلاحی به سال ۱۹۱۹ یعنی زمان تنظیم ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل بازمی‌گردد. این سند تعریفی از مفهوم تجاوز ارائه نداده است. «تجاوز» در معاهدات بین دولت‌ها نخستین بار در مقاوله‌نامه لندن که در سال ۱۹۳۳ بین اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و برخی از دولت‌ها مانند ایران، افغانستان، استونی، لستونی، رومانی، ترکیه و لهستان منعقد گردید، تعریف شده است. با این حال، دوجانبه بودن

۱. ضیائی، بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۵۳۳

۲. صادقی، علی، پایان‌نامه، بررسی مفهوم جنایات جنگی و صلاحیت جهانی در حقوق درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰، ص ۲۰

۳. ساعد، نادر، حقوق بشردوستانه و سلاح هسته‌ای، تهران، انتشارات شهر دانش، سال ۱۳۸۶، ص ۱۷۱

این معاهدات و محدودیت آن‌ها به چند دولت از اعتبار این تعریف در سطح بین‌المللی می‌کاهد. بر اساس ماده ۲ این مقاله‌نامه، اصل پیش‌دستی، معیار تشخیص تجاوز محسوب شده و متجاوز، آن دولتی تلقی شد که ابتدا به یکی از اقدامات زیر مبادرت ورزد:

- ۱- اعلان جنگ به دولت دیگر
- ۲- تهاجم مسلحانه به سرزمین دولت دیگر با اعلان جنگ و یا بدون آن
- ۳- حمله نیروهای زمینی، دریایی و هوایی به سرزمین، کشتی‌ها و یا هواپیماهای دولت دیگر با اعلان جنگ و یا بدون آن
- ۴- محاصره دریایی سواحل یا بنادر دولت دیگر
- ۵- حمایت یک دولت از گروه‌های مسلح تشکیل شده در سرزمینش که به سرزمین دیگر هجوم آورده‌اند.<sup>۱</sup>
  - شناسایی تجاوز
  - تجاوز مستقیم
  - تجاوز غیرمستقیم
  - آثار تجاوز
  - پیش‌درآمد تجاوز عراق به ایران
  - رقابت اعراب و فارس‌ها
  - اختلافات مذهبی ایران و عراق
  - مناقشات مرزی ایران و عراق
  - رقابت برای گسترش نفوذ منطقه‌ای

## ۲-۲) دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد

ماده ۵۱ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد، هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع مشروع فردی یا جمعی در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضای باید اقداماتی را که در اعمال این حق به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند.

- ۲-۲-۱) تعریف دفاع مشروع
- ۲-۲-۲) حق ذاتی دفاع مشروع
- ۲-۲-۳) حمله مسلحانه
- ۲-۲-۴) دفاع بازدارنده
- ۲-۲-۵) هدف دفاع مشروع
- ۲-۲-۶) گزارش به شورای امنیت

## نقش دولت‌های فرمانطقه‌ای در جنگ عراق علیه ایران

این فصل بر پایه واقعیت‌ها و رخداد‌های سیاسی و نظامی جنگ با نگاهی هشت‌ساله به اغلب کمک‌های فرمانطقه‌ای به عراق و تأثیر جنگ عراق علیه ایران با تشریح مواضع آمریکا و شوروی، فرانسه و کشورهای عربی شکل گرفته است. دولت عراق، تهاجمات خود را با بهره‌برداری از جو شدیداً متشنج حاکم بر این روابط علیه ایران گسترش داده است.

### ۱-۳) بررسی مواضع آمریکا و شوروی (سابق)

تلاش عراق برای گسترش درگیری در خلیج فارس و مقابله به‌مثل ایران، نگرانی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ را افزایش داد.<sup>۱</sup> پیدایش موقعیت جدید سبب شد فشار بر ایران و تلاش برای ممانعت از پیروزی ایران بر عراق، با افزایش حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی از عراق، به منزله منطق حاکم بر رفتار و عملکرد کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ، بیش از گذشته تشدید شود. در این خصوص، روزنامه کیزانی ژاپن نوشت:

«جنگ ایران و عراق در ماه‌های اخیر به نفع ایران در جریان است و اگرچه دو دولت ابرقدرت اعلام کرده‌اند که در جنگ بی‌طرف هستند ولی در وضعیت فعلی جنگ، تصمیم به بلوکه کردن ایران گرفته‌اند. دو ابرقدرت می‌کوشند در جنگ از پیروزی ایران علیه عراق جلوگیری کنند.»

این روزنامه در توضیح تلاش دو ابرقدرت برای حمایت از عراق، به سفر هیئت بلندپایه شوروی (سابق) به بغداد به سرپرستی یکی از اعضای<sup>۲</sup> کمیته مرکزی حزب کمونیست و ملاقات با صدام که به تجدید پیمان پانزده ساله شوروی و عراق انجامید، اشاره نمود و در ادامه، سفر ریچارد مورفی، فرستاده ویژه ریگان رئیس‌جمهور آمریکا به بغداد را مطرح کرد.

پیدایش موقعیت جدید و جو روانی و تبلیغاتی حاکم بر رسانه‌ها و محافل خبری، حاکی از این بود که ایران نه تنها برای دستیابی به «امتیازهای سیاسی» در وضعیت کاملاً دشواری قرار گرفته است بلکه برای «حفظ وضع موجود» نیز معضلات بسیاری را فرا روی خود خواهد داشت. به عبارت دیگر، ایران در برابر فرصت‌ها، محدودیت‌ها و خطرهایی قرار گرفته بود که تصمیم‌گیری برای گذر از این وضعیت، بسیار دشوار به نظر می‌رسید. تحلیل روزنامه گاردین در این باره قابل توجه است:

«ایران هر قدر در جنگ پیشرفت می‌کند، در صحنه بین‌المللی منزوی‌تر می‌شود. نمونه بسیار واضح آن، جبهه‌گیری واقعی آمریکا و شوروی، از یک سو به‌منظور هماهنگی و از سوی دیگر برای رقابت با یکدیگر از طریق حمایت از عراق است.»

درواقع، ارتقاء موقعیت برتر ایران، بر احساس خطر حامیان عراق از ایران و نگرانی آن‌ها و در نتیجه، ضرورت تشدید فشار به ایران می‌افزود؛ چنان‌که در این وضعیت، همکاری آمریکا و شوروی در مقابله با ایران و حمایت آن‌ها از عراق بسیار افزایش یافته بود و در رسانه‌های خبری نیز منعکس می‌شد. نشریه تایمز چاپ لندن در این خصوص نوشت:

«برداشت‌های آمریکا و شوروی، دلواپسی آن‌ها را برای مهار نبرد از طریق آنچه مقامات ایران آن را «فرصت‌طلبی به‌منظور گسترش نفوذ ابرقدرت‌ها در منطقه نفت‌خیز خلیج فارس» می‌نامند، آشکار می‌سازد. اخیراً مسکو و واشنگتن هر دو موضع مطلوب‌تری را نسبت به عراق و جهان عرب اتخاذ کرده‌اند.»

موضع مشترک آمریکا و شوروی در حمایت از عراق و تأکید بر پایان دادن به جنگ سبب شد دو ابرقدرت برای نخستین بار بر احتمال دستیابی به تفاهم تأکید کنند:

۱. روزنامه فیگارو در این باره نوشت: دو ابرقدرت برای یک بار هم که شده در برابر خطر بزرگی قرار گرفته‌اند.

۲. پتروفسکی معاون وزیر امور خارجه شوروی، ریاست این هیئت را بر عهده داشت.



«آمریکا و شوروی به‌سوی نوعی همکاری گام برمی‌دارند که نتیجه نهایی آن ممکن است اقدام مشترک برای پایان بخشی به جنگ بی‌پایان ایران و عراق باشد و یا حداقل آنکه دخالت دو ابرقدرت از پیروزی ایران بر عراق در صحنه جنگ جلوگیری کند.»

بر اساس برخی گزارش‌ها، آمریکایی‌ها هیئتی بلندپایه برای ارائه پیشنهاد به مسکو فرستادند. همچنین، مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس، برای بحث و گفت‌وگو با میخائیل گورباچف، رهبر شوروی، درباره طرح‌ها و نظریات مربوط به خاتمه جنگ راهی مسکو شد. جفری هاو، وزیر خارجه انگلیس نیز پس از ملاقات با وزیر خارجه شوروی، بر توافق دو طرف درباره حمایت از تلاش‌های سازمان ملل تأکید کرد؛ ضمن آنکه شوروی و فرانسه نیز جلساتی سری در پاریس تشکیل دادند.

بنا بر گزارش‌های منتشرشده، روس‌ها ضمن موافقت با "متوقف شدن جنگ" و "تعیین مجازات" برای طرف مخالف اجرای آتش‌بس، اعمال "تحریم" را در گرو حصول توافق میان همه اعضای شورای امنیت دانستند.<sup>۱</sup> درواقع، مخالفت روس‌ها با تحریم و مشروط کردن آن، بیش‌تر برای مقابله با کسب ابتکار عمل آمریکایی‌ها بود. رئیس بخش خلیج فارس در وزارت خارجه شوروی، موضع‌گیری روس‌ها را در این خصوص چنین اعلام کرد: «شوروی پیشنهاد آمریکا در مورد بررسی مشترک مسئله جنگ عراق و ایران را رد کرده است و اعتقاد دارد این اقدام باید به‌صورت جمعی صورت گیرد».<sup>۲</sup>

منابع دیپلماتیک در سازمان ملل نیز اعلام کردند که پنج قدرت بزرگ در شورای امنیت درباره نخستین مرحله این سناریو مبنی بر پایان دادن به جنگ به توافق رسیده‌اند ولی لازمه موفقیت در این خصوص، کنار گذاشتن اختلاف درباره مرحله دوم این طرح است که بیش‌تر شامل محروم کردن ایران از منابع دریافت تجهیزات نظامی با اعمال "تحریم" است درحالی‌که این تحریم پس از پیروزی انقلاب و در زمان شروع جنگ ادامه داشت. تفاهم و همکاری آمریکا، شوروی و برخی کشورهای اروپایی از طریق مذاکره، اگرچه نشانه نوعی اجماع بین‌المللی و هماهنگی ضمنی برای پایان دادن به جنگ بود، اختلاف‌های موجود درباره "نحوه اعمال تحریم و ابعاد آن و همچنین، موضع‌گیری و حساسیت شوروی درباره افزایش حضور نیروهای آمریکا در خلیج فارس" سبب شد تا هر یک از دو ابرقدرت، اقدامات جداگانه‌ای را برای کسب ابتکار عمل در جنگ انجام دهند که در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

### ۳-۲) ایالات متحده آمریکا

تداوم و گسترش دامنه جنگ ایران و عراق و تضعیف تدریجی عراق بر اثر حمله‌های پی‌درپی ایران، همراه با "گسترش اسلام‌خواهی" در خاورمیانه، منافع آمریکا را در منطقه با خطر جدی مواجه کرد. آمریکا در پایان دادن به جنگ و برقراری صلح بادوام در منطقه خاورمیانه ناتوان بود. ایده پایان‌بخشی به کلیه مناقشات و درگیری‌ها، مقدمات شکل‌گیری استراتژی جدید آمریکا را فراهم می‌کرد. در این استراتژی، توجه دوباره به ایران و پذیرش اهمیت و نقش محوری ایران در ثبات یا بی‌ثباتی منطقه و تهدید منافع آمریکا شناسایی و بر آن تأکید شد:

«ایران چه از هم‌گسیخته باشد و چه بیش‌ازحد نیرومند، می‌تواند ثبات تمامی خاورمیانه و به‌ویژه آن کشورهای میانه‌روی عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی عمیق برای امنیت آمریکا دارد، تهدید کند.»

۱. درودیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، جلد ۴، چاپ ششم ۱۳۸۹، ص ۳۲

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۲/۳ به نقل از رادیو آمریکا، ۱۳۶۶/۲/۳

در چارچوب این استراتژی، تلاش برای برقراری رابطه با ایران سبب شکل‌گیری ماجرای موسوم به مک فارلین در بهار سال ۱۳۶۴ شد. بعدها، رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا درباره ماهیت این "ابتکار سیاسی محرمانه" و دلیل اتخاذ آن گفت:

«بدون همکاری ایران، ما قادر به خاتمه‌بخشی جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران، امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

همچنین، ریگان در بخش دیگری از سخنان خود درباره اهداف درازمدت آمریکا در خاورمیانه گفت: «اهداف درازمدت آمریکا در خاورمیانه این بوده است که استقلال ایران را در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه‌ای را برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد».

وی در ادامه سخنان خود، مهم‌ترین مانع تحقق اهداف آمریکا را چنین توضیح داد: «یک مانع بر سر راه این اهداف، عدم مذاکره و قطع ارتباط بین ایران و آمریکا بود. به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود (ایران و آمریکا) برآمدم»<sup>۲</sup>.

درواقع، هسته مرکزی سیاست‌های جدید آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس، بر پایه روابط و مناسبات نوین میان ایران و آمریکا تنظیم شده بود. این مسئله، ضمن روشن کردن اهمیت برقراری رابطه با ایران برای آمریکا، تبعات و زیان‌های افشای ماجرای مک فارلین و شکست آن را نیز روشن می‌کند. درواقع، ناکامی آمریکا در برقراری روابط پایدار و باثبات با ایران، به در هم ریختن سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا و ایجاد تشتت در سیاست خارجی این کشور انجامید. به عبارت دیگر، در این ماجرا، لطمه‌ها و زیان‌های وارده به "حیثیت و اعتبار آمریکا" بیش از هر امر دیگری اجرای سیاست‌های آمریکا را در خاورمیانه با مشکلات و دشواری‌های اساسی مواجه نمود.

با پیدایش وضعیت جدید و افزایش تنش در مناسبات آمریکا با عراق و ایران، توانایی آمریکا برای کسب ابتکار عمل در جنگ عمیقاً تضعیف شد؛ ضمن اینکه گسترش دامنه جنگ و افزایش نفوذ و فعالیت‌های شوروی نیز بر مشکلات و موانع موجود در راه تحقق اهداف و سیاست‌های آمریکا افزود. در چنین وضعی، به نظر می‌رسید آمریکایی‌ها برای کسب ابتکار عمل نیازمند طرح‌ریزی جدیدی هستند، چنان‌که مجله اشپیکل چاپ آلمان به نقل از منابع مصری، خبری را مبنی بر طرح‌ریزی آمریکا برای دخالت احتمالی این کشور در جنگ ایران و عراق منتشر کرد. مقامات آمریکایی این خبر را بی‌درنگ تکذیب کردند اما درعین حال، آمریکایی‌ها وجود برخی نقشه‌های احتمالی را برای مداخله، در صورت پیروزی ایران و تهدید متحدان آمریکا در خلیج فارس، انکار نکردند<sup>۳</sup>.

رفتار ایران در خلیج فارس در پاسخ به تهاجم‌های عراق به نفت‌کش‌ها، مورد توجه آمریکایی‌ها بود و چنین تحلیل می‌شد که در صورت دست نیافتن ایران به پیروزی نظامی در عملیات کربلای ۵، ممکن است فشار ایران به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس افزایش یابد. بر پایه همین تحلیل، چارلز ردمن، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا تلویحاً خطاب به ایران اعلام کرد:

«به نظر ما، این حملات به کشتی‌رانی در خلیج فارس، امکان بروز سوء تفاهم یا اشتباه محاسبه‌ای را که موجب گسترش دامنه جنگ شود، افزایش می‌دهد».

۱. روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۸/۲۴.

۲. روزنامه ابرار، ۱۳۶۵/۸/۲۴.

۳. به نقل از روزنامه تایمز، ۱۳۶۵/۱۰/۲۹.

چند روز بعد جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا نیز گفت:  
«ما مکرراً به ایران هشدار داده‌ایم که هرگونه گسترش دامنه جنگ به مثابه تهدیدی عمده علیه منافع آمریکا تلقی می‌شود»<sup>۱</sup>.

برخی تحلیل‌گران، موضع‌گیری آمریکا همراه با برخی اقدامات سیاسی این کشور و نیز تحرکات ناوگان دریایی آن را، نادیده گرفتن ایران می‌دانستند؛ ضمن اینکه تحرکات ناوگان دریایی آمریکا در دریای مدیترانه، با توجه به گروگان‌گیری در لبنان، نوعی هشدار به گروگان‌گیرها بود، چنان‌که سخنگوی وزارت دفاع آمریکا رسماً اعلام کرد: «عملیات نظامی آمریکا در دریای مدیترانه به گروگان‌گیری‌های جدید در لبنان ارتباط دارد».

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا نیز در همین خصوص گفت: «حرکات نیروی دریایی آمریکا در دریای مدیترانه و خلیج فارس، چیزی بیش از تدابیر احتیاطی نیست».

مقامات رسمی آمریکا با اعلام این مواضع که بیش‌تر در پی افزایش تحرکات ناوگان دریایی آن کشور در دریای مدیترانه و خلیج فارس انجام شده، درصدد پایان دادن به هرگونه شائبه‌ای مبنی بر تغییر سیاست آمریکا برآمدند. سیاست آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق تغییر نکرده و آمریکا خواهان عدم پیروزی هر یک از طرفین جنگ است.<sup>۲</sup>

اعلام چنین مواضعی، تصریح در مخالفت و بی‌توجهی کامل آمریکا به موقعیت برتر و خواسته‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و مقابله با پیروزی احتمالی آن بود. به همین دلیل، این مواضع آشکارا به سود عراق ارزیابی می‌شد؛ ضمن اینکه آمریکایی‌ها، بنا بر سخنان واینبرگر، وزیر دفاع این کشور، به‌هیچ‌وجه معتقد نبودند موجودیت حکومت عراق در خطر است بلکه بر این عقیده بودند که آمریکا باید همه تلاش خود را برای برقراری صلح به کار برد. بر اساس این گفته‌ها و برخلاف تحلیل رسانه‌ها مبنی بر سقوط حکومت عراق، آمریکایی‌ها مسیر تحولات جنگ را به‌منزله تهدید موجودیت حکومت عراق ارزیابی نمی‌کردند. در نتیجه، این پرسش مطرح می‌شود که تغییر مواضع آمریکا متأثر از چه عواملی بوده و چارچوب و خط‌مشی کلی سیاست این کشور در برابر جنگ ایران و عراق چه مشخصه‌ها و ویژگی‌هایی داشته است؟

به دنبال افشای ماجرای مک‌فارلین و تنش در روابط آمریکا با عراق، سیاست خارجی آمریکا دچار تشتت و نابسامانی شد. گسترش دامنه جنگ همراه با تزلزل سیاست خارجی آمریکا، وضعیت دشواری را فرا روی آمریکایی‌ها قرار داد. با این حال، ناگزیر در این موقعیت، تنها عاملی بود که می‌توانست جراحات‌های وارده بر سیاست خارجی این کشور را ترمیم کند. تحقق این امر نیز به‌سادگی امکان‌پذیر نبود چرا که از یک سو برخورداری ایران از موقعیت برتر و از سوی دیگر بی‌اعتمادی عراق به تلاش‌های آمریکا، مانع موفقیت این کشور بود. در این میان، طه یاسین رمضان در مصاحبه با مجله‌الدستور چاپ انگلستان با انتقاد از مواضع آمریکا و متهم کردن این کشور به تجهیز ایران گفت:

«موضع دولت آمریکا پر از تضاد است زیرا آمریکایی‌ها ظاهراً وانمود می‌کنند مخالف ادامه جنگ هستند ولی در واقع ایران را به سلاح مجهز می‌نمایند و این امر در نوع خود مبین انحطاط اخلاق سیاسی است».

بعد از ماجرای مک‌فارلین، آمریکایی‌ها در آغاز تلاش‌هایشان ضمن تغییر موضع آشکار به سود عراق، تدابیری را برای افزایش فشار به ایران اتخاذ کردند. در این میان، سخنان برخی مقامات آمریکایی درباره تجارت حاصل‌شده از معاملات ایران و آمریکا در چارچوب ماجرای مک‌فارلین و تجدیدنظر در این خط‌مشی و ارائه تحلیل جدید از اوضاع داخلی ایران، حائز اهمیت است. واینبرگر، وزیر دفاع آمریکا گفت:

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، به نقل از خبرگزاری یونایتد پرس، ۱۳۶۵/۱۱/۹

۲. همان منبع، پیشین

«با توجه به اهمیت استراتژیک ایران باید قبل از اینکه ما روابط دلخواه را با این کشور از سر گیریم، حکومتی کاملاً متفاوت در ایران بر سر کار آید. فکر برقراری روابط با عناصر میانه‌رو در جمهوری اسلامی، وهم و خیالی بیش نیست.<sup>۱</sup>» این تحلیل نشان می‌داد که از این پس، آمریکایی‌ها به جای تلاش برای برقراری رابطه با جمهوری اسلامی جهت پایان دادن به جنگ، فشار بر ایران را تشدید خواهند کرد. به عبارت دیگر، آمریکا علاوه بر تغییر سیاست در برابر ایران، سیاست خود را درباره جنگ نیز تغییر داد و بر خاتمه جنگ متمرکز شد. روح‌الله کارگر رضوانی، یکی از کارشناسان مسائل ایران و منطقه در این باره گفت:

«کابینه ریگان، استراتژی صلح را تا ژانویه ۱۹۸۷ به‌طور جدی دنبال نمی‌کرد.»

در همین چارچوب، آمریکا برای کسب ابتکار عمل، دو اقدام اساسی را در دستور کار خود قرار داد؛ ۱. گسترش حضور در خلیج فارس و اسکورت نفت‌کش‌ها و ۲. سازمان‌دهی و رهبری تلاش‌های بین‌المللی برای تصویب قطع‌نامه ۵۹۸.

ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، در اسفند ۱۳۶۵، ضمن صدور بیانیه و درخواست پایان یافتن فوری جنگ، به جورج شولتز، وزیر خارجه آمریکا دستور داد تا رهبری تلاش‌های بین‌المللی را برای واداشتن جمهوری اسلامی ایران به مذاکره بر عهده گیرد. ریگان در بیانیه خود با حمایت از پیشنهاد عراق درباره خاتمه جنگ، بر اجرای عملیات سرسختانه‌ای با هدف ممانعت از فرستادن هرگونه سلاح به ایران تأکید کرد و مسئولیت آن را به ادروینکس، معاون وزیر خارجه آمریکا سپرد. واینبرگر بر پایه همین بیانیه اعلام کرد:

«آمریکا نمی‌خواهد که ایران در جنگ با عراق برنده شود. ما کاملاً آماده‌ایم تا آنچه را که برای رفت‌وآمد دریایی و تضمین آزادی کشتی‌رانی در تنگه هرمز لازم است، انجام دهیم.»  
مقابلاً آقای هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ، با دریافت و تحلیلی که از ماهیت سیاست‌های خصومت‌آمیز جدید آمریکا داشت، بی‌درنگ اعلام کرد:

«اگر آمریکا بخواهد در خلیج فارس مداخله کند، امنیتش در همه جای دنیا به خطر خواهد افتاد.»

ایشان ضمن بی‌اعتبار شمردن سیاست آمریکا حتی در میان نزدیک‌ترین دوستان و دست‌نشانده‌گانش مانند شاه اردن و حکومت مصر، درباره رفتار آمریکا با ایران گفت:

«آن‌ها مدتی به ما پیغام دادند که ما ایران را یک کشور مهم می‌دانیم و انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخته‌ایم. شما تروریست نیستید، ما حاضریم کوتاه بیایم و از این قبیل صحبت‌ها. وقتی که شروع شد، ما دیدیم که از همان اول دروغ گفته‌اند.»

ایران که می‌پنداشت به دلیل داشتن موضعی برتر، قادر به تحمیل اراده و خواسته‌های سیاسی خود بر صدام و حامیان او است، با ملاحظه مواضع جدید آمریکا و ماهیت خصومت‌آمیز آن علیه ایران، تدریجاً به این نتیجه و باور رسید که آمریکا نه تنها مایل به ارائه هیچ‌گونه امتیاز مهمی به ایران نیست بلکه فشار بر ایران را افزایش خواهد داد. درعین حال، سه روز بعد، آقای هاشمی مجدداً سخنانی را مبنی بر اعلام آمادگی برای رفع خصومت میان ایران و آمریکا بیان کرد. همچنین، رئیس ستاد تبلیغات جنگ، مطالبی را در خصوص آمادگی ایران برای آزادی گروگان‌ها در لبنان اعلام نمود. در موضع‌گیری‌های جدید ایران نیز اعمال برخی تغییرات در کادر رهبری عراق به‌منزله بخشی از شرایط ایران برای پایان بخشی به جنگ مطرح شد.

بار دیگر در اوایل اردیبهشت، آقای هاشمی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی با نمایندگان بیش از ۷۰ رسانه خبری جهان، مطالب مهمی را درباره روابط ایران با آمریکا بیان کرد. ایشان در پاسخ به خبرنگار روزنامه واشنگتن پست در خصوص روابط ایران با آمریکا در آینده گفت:

«در مورد روابط ما با آمریکا، امام این را مدتی پیش اعلام کردند و من هم مکرراً گفتم که ما فکر نمی‌کنیم تا قیامت باید روابط با آمریکا قطع باشد ... اگر مطمئن شویم که آمریکا قصد شیطنت با ما را ندارد و به ما ثابت شد، حاضریم رابطه برقرار کنیم.»

سپس، ایشان درباره چگونگی اعلام حسن نیت آمریکا گفت:

«ما برای اینکه آمریکا حسن نیت خودش را ثابت کند، یک علامت گذاشته‌ایم؛ اینکه اموالی از ما که برخلاف حق و قانون در آمریکا مسدود شده، آزاد شود تا ما نزد مردم لبنان شفاعت کنیم که گروگان‌ها را آزاد کنند.»

تأکید بر چنین مفاهیمی، بیش‌تر حاصل این تحلیل بود که تداوم مناسبات در چارچوب ماک‌فارلین امکان‌پذیر است؛ حال آنکه موقعیت منطقه‌ای و موضع‌گیری آمریکا در این باره کاملاً تغییر کرده بود و تلاش‌هایش در این مسیر با ناکامی روبه‌رو شده و شکست خورده بود و بهبود موقعیت آمریکا، تنها در گرو کسب پرستیژ سیاسی با تحمیل صلح به ایران بود. در هر صورت، یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سخنان آقای هاشمی اعلام کرد:

«تا زمانی که ایران از تروریست‌ها حمایت می‌کند، امیدی به بهتر شدن روابط دو کشور نیست.»

با پی‌ریزی سیاست جدید آمریکا، بر تحرکات دیپلماتیک این کشور در سازمان ملل و منطقه خاورمیانه افزوده شد. یک هیئت بلندپایه از اتحادیه عرب به آمریکا سفر کرد و ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاورمیانه نیز عازم منطقه خاورمیانه شد. در این موقعیت، موضع‌گیری آمریکایی‌ها بسیار مهم بود.

هیئت اتحادیه عرب در دیدار با آمریکایی‌ها بر دو موضوع تأکید کردند؛ نخست، اگر ایران از پذیرش قطع‌نامه‌های سازمان ملل خودداری کرد، آمریکا از اعمال مجازات شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران حمایت کند. دوم، آمریکا فشارهای خود را برای جلوگیری از رسیدن سلاح به ایران تشدید کند و در این مرحله با متحدانش در اجلاس اقتصادی آینده سران هفت کشور صنعتی غرب، فعال‌تر عمل کند. شولتز، وزیر خارجه آمریکا، در پاسخ به درخواست‌های اتحادیه عرب با صراحت تأکید کرد که آمریکا از هیچ‌گونه تلاشی برای محروم کردن ایران از دستیابی به سلاح فروگذار نخواهد کرد. وی در سخنان خود، دلیل اتخاذ چنین تصمیمی را نقش و تأثیر وجود تسلیحات در ادامه جنگ عنوان کرد. همچنین، شولتز در دیدار با هیئت اتحادیه عرب، برای ایجاد اعتماد در اعراب و اجابت خواسته‌های آن‌ها اعلام کرد:

«آمریکا آماده است علیه هر کدام از طرفین جنگ که از همکاری با شورای امنیت در پایان دادن به جنگ سر باز زند، اقدامات مؤثری به عمل آورد.»

ریگان نیز در ملاقات با هیئت اتحادیه عرب بر این موضوع تأکید کرد که آمریکا از راه‌حل مذاکره برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به‌شدت حمایت می‌کند.

ریچارد مورفی، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا برای تشریح مواضع آمریکا و کسب حمایت اعراب و درعین حال، اعلام حمایت از آن‌ها، هم‌زمان با سفر هیئت اتحادیه عرب و متعاقب سفر معاون وزیر خارجه شوروی به منطقه، عازم منطقه خلیج فارس شد. وی در این سفر، ضمن ارائه درخواست آمریکا مبنی بر خاتمه سریع جنگ، همچنان بر تلاش آمریکا برای ممانعت از پیروزی یا شکست هر یک از دو طرف درگیری تأکید کرد. همچنین، مورفی از قول رئیس‌جمهور آمریکا گفت:

«آمریکا از احقاق حق دوستانش در منطقه خلیج فارس، برای دفاع از خود و نیز تعهداتش، برای تضمین عبور آزادانه نفت از طریق تنگه هرمز تأکید می‌کند»<sup>۱</sup>.

نگرانی آمریکا درباره بی‌اعتمادی اعراب و دیگر متحدانش و بهره‌برداری مسکو از این وضعیت، یکی از عوامل مؤثر در سیاست‌های آمریکا بود. به همین دلیل، مورفی، آشکارا بر پیام ریگان در این خصوص تأکید داشت و به نقل از او گفت:

«آمریکا شدیداً نگران این جنگ اندوه‌بار است و جنگ خلیج فارس، منافع استراتژیک و ثبات و امنیت کشورهای دوستان را در منطقه تهدید می‌کند».

مورفی در این سفر عازم بغداد شد و با مقامات عراقی مذاکره کرد. وی بی‌درنگ پس از ورود به بغداد گفت که دولت متبوعش در همه سطوح بین‌المللی می‌کوشد مذاکراتی را برای خاتمه دادن به جنگ تدارک ببیند. وی همچنین از ایران خواست تا مانند عراق که بارها آمادگی خود را برای وارد شدن به مذاکرات صلح اعلام کرده است، آمادگی خود را در این خصوص اعلام کند.

همچنین، مورفی پیام کتبی ریگان را درباره تحولات جنگ خلیج فارس و تلاش‌های آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ، تسلیم صدام کرد. وی هنگام ترک بغداد به خبرنگاران گفت که دیدار با مقامات عراقی مفید و سازنده بوده است و ضمن تجلیل از شجاعت عراقی‌ها گفت که زمان آن رسیده است که به این شجاعت با اعطای صلح پاداش داده شود؛ زمانی که پیش از این نیز فرا رسیده بود.

درواقع، سخنان مورفی در موقعیتی که عراق برای تشدید درگیری در خلیج فارس تلاش می‌کرد، به منزله تشویق و ترغیب عراق و همچنین، کسب اعتماد دوباره این کشور (که با افشای ماجرای مک‌فارلین مخدوش شده بود) ارزیابی می‌شد. از جمله مواردی که مورفی در این سفر به آن اشاره کرد، تلاش آمریکا برای تصویب قطع‌نامه‌ای جدید در سازمان ملل بود:

«ما سرگرم فعالیت هستیم تا در این زمینه، قطع‌نامه مؤثرتری را نسبت به قطع‌نامه‌های قبل در سازمان ملل به تصویب برسانیم».

در پی پایان یافتن سفر منطقه‌ای مورفی و بازگشت هیئت اتحادیه عرب از آمریکا، وزیر خارجه، وزیر دفاع و رئیس‌جمهور آمریکا سخنانی را ایراد کردند که حائز اهمیت و درعین حال، نشانه توافق‌های جدید مبنی بر تشدید فشار به ایران بود. شولتز گفت: «آمریکا به ایران هشدار داد که یا جنگ را پایان دهد و یا با اقدامات شدید و مقتضی روبرو خواهد شد».

چند روز بعد، واینبرگر وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد:

«کشورش اجازه نخواهد داد که ایران در جنگ با عراق پیروز شود زیرا چنین تحولی برای تمام جهان فاجعه‌آمیز خواهد بود».

در چنین موقعیتی، حمله عراق به ناو استارک آمریکا موجب عذرخواهی عراق و آمادگی این کشور برای پرداخت غرامت شد ولی به نظر می‌رسید این اقدام صرفاً بر اساس یک اشتباه در محاسبه نبوده است. درعین حال، این حادثه آمریکا را با وضعیتی دشوار روبرو کرد اما به‌جای اعمال فشار به عراق، سبب افزایش مواضع خصمانه آمریکا علیه ایران شد؛ چنان‌که ریگان در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۶ در یک سخنرانی که از رادیو آمریکا پخش شد، اعلام کرد:

«در حقیقت، شخصیت شرور و خطاکار در این ماجرا، جمهوری اسلامی ایران است».

ریگان در ادامه سخنان خود گفت:

۱. مصباحی، محی‌الدین، اتحاد جماهیر شوروی، جنگ ایران و عراق، فصل هشتم

«مدت‌هاست دولت آمریکا همراه با شماری از دیگر کشورهای جهان می‌کوشد با فراهم آوردن امکان انجام گفت‌وگوهای صلح، جنگ ایران و عراق پایان یابد اما جمهوری اسلامی ایران تاکنون از کمک برای یافتن راه‌حلی جهت فرو نشاندن آتش این جنگ امتناع کرده است.»

بدین ترتیب، آمریکا با افزایش حضور در منطقه خلیج فارس (که بعدها به اسکورت نفت کش‌ها انجامید) و تلاش برای تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ در سازمان ملل، سیاست جدیدی را آغاز کرد. تحولات جدید با تشدید خصومت ایران و آمریکا، سرانجام به درگیری میان دو کشور در منطقه خلیج فارس منتهی شد. این اوضاع حاکم بر روابط ایران و آمریکا به مدت یک سال طول کشید و بعدها با تغییر وضعیت در منطقه و اقدام ایران در پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، شکلی جدید به خود گرفت که در صفحات بعد بررسی می‌شود.

### ۳-۳) کمک‌های آمریکا به عراق

اقدامات آمریکا نیز علیه ایران به موازات افزایش پیشروی نیروهای نظامی ایران در مواضع عراقی‌ها، با هدف جلوگیری از پیروزی ایران و شکست عراق تشدید شده و گسترش می‌یافت<sup>۱</sup> زیرا پیروزی ایران بر عراق برای آمریکا غیرقابل قبول بود. صدام با فرستادن "نزار حمدون" به عنوان سفیر عراق در آمریکا، علاوه بر پیگیری اهداف خود در سطوح مختلف، زمینه تحکیم روابط عراق و آمریکا را فراهم ساخت و به تدریج عراق به یک متحد آمریکا در منطقه تبدیل گشته و بازار پرسودی برای آمریکا ارزیابی شد. به همین دلیل، جامعه تجاری و صنعتی آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین پشتیبان عراق، از روابط تجاری با این کشور حمایت می‌کرد.

سیاست جانب‌دارانه آمریکا از عراق نیز با آغاز سال ۱۳۶۶ و بر اساس ارزیابی جدید، شکل جدیدتری به خود گرفت به گونه‌ای که ریچارد آرمیتج، معاون وزیر جنگ آمریکا در کنگره اظهار کرد:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق استقلال کشورهای عربی و اسلامی را متزلزل خواهد کرد.»

به همین دلیل، مورفی، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد:

«هدف نهایی آمریکا، مقابله با انقلاب اسلامی است.»<sup>۲</sup>

در این حال، تصورات آمریکایی‌ها در مورد توان نظامی ایران و برتری این کشور بر عراق، نقش اساسی در گرایش آمریکا به عراق داشت؛ ضمن اینکه سرخوردگی دولت آمریکا از ماجرای "مک‌فارلین" و تلاش برای جبران این ماجرا و اثبات نزدیکی خود به عراق نیز در این گرایش بی‌تأثیر نبود. بر همین اساس، آمریکایی‌ها در سال ۱۳۶۶ با سازمان‌دهی "فشار دیپلماتیک" به ایران از جمله با تصویب قطع‌نامه ۵۹۸، هم‌زمان با حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس، حفاظت از نفت‌کش‌های کویت را بر عهده گرفتند. بدین وسیله، آمریکا با ایجاد "چتر حمایت استراتژیک"، فرصت و امکان مناسب را برای حملات ویران‌کننده عراق به پایانه‌های نفت ایران و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران فراهم ساخت. کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق که از سال ۱۳۵۹ خورشیدی آغاز شد و در سال‌های پایانی جنگ نیز بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز و درخواست عراق بود، سبب گردید تا سازمان سیا، اطلاعات فوق‌العاده محرمانه‌ای از مراکز استراتژیک ایران در اختیار عراق قرار دهد. حتی برابر برخی گزارش‌ها، ویلیام کیسی، رئیس سیا، بارها عراق را در حمله به تأسیسات اقتصادی و حیاتی ایران تشویق کرده بود و نمونه آن، حمله هواپیماهای عراقی به جزیره سیری بود که در چارچوب هم‌آهنگی دقیق اطلاعاتی میان سیا و ارتش عراق انجام گرفت.

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۲۸، به نقل از نیوزویک، چاپ آمریکا

۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۳/۱۱، به نقل از روزنامه الانباء چاپ کویت



آمریکایی‌ها علاوه بر فروش سلاح به عراق، در بسیاری از زمینه‌ها تسلیحات لازم را برای تأمین نیازمندی‌های تسلیحاتی عراق فراهم می‌کردند. بعدها، هوارد تایچر، عضو شورای امنیت ملی آمریکا در دولت ریگان، طی اظهاراتی فاش کرد که رئیس وقت سازمان سیا (ویلیام کیسی)، شخصاً برای اطمینان از اینکه عراق تسلیحات، مهمات و خودروهای موردنیازش را دریافت می‌کند، بر این همکاری نظارت می‌کرد. برابر گزارش‌های موجود، آمریکا در پنج سال گذشته (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶) معادل ۱/۵ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیکی، انواع ماشین‌آلات، دستگاه‌های حساس و رایانه‌های فوق‌العاده قوی در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی، موشکی و هسته‌ای را به دولت عراق فروخت. بعدها، یک بازپرس کنگره آمریکا که مسئول بررسی عملکرد دولت آمریکا در برابر عراق بود، گفت:

«دامنه وسعت انواع تجهیزات تکنولوژی حساسی که از طرف دولت آمریکا به عراق ارسال شده است، آدم را شوکه می‌کند.»

همچنین، در گزارشی که بعدها در تلویزیون "ای. بی. سی" آمریکا پخش گردید، بر این مسئله تأکید شد که شرکت‌های آمریکا به‌طور قانونی و غیرقانونی نوعی فناوری را در اختیار عراق قرار داده بودند که این کشور را قادر می‌ساخت برنامه‌های ساخت پیشرفته‌ترین جنگ‌افزارها را ادامه دهد. به گزارش روزنامه تایمز مالی، چاپ انگلیس، شرکت آمریکایی "اینترنشنال سیگنال‌اند کنترل" نیز در کنترل مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب‌های خوشه‌ای عراق دست داشت.

### ۳-۴) شوروی

مقاومت مردم افغانستان، سیاست خاورمیانه‌ای شوروی را با بن‌بست و شکست مواجه کرد زیرا روس‌ها با فرو رفتن در باتلاق افغانستان از هر نوع امکان بهره‌برداری از خلأ به‌وجودآمده در توازن قدرت در منطقه که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه پدید آمده بود، محروم و سرانجام شکست زیان‌باری را متحمل شدند.<sup>۱</sup>

اقدامات شوروی به رهبری گورباچف برای رهایی از بن‌بست موجود در افغانستان با تصمیم‌گیری برای خروج از این کشور آغاز شد. چنین پیش‌بینی می‌شد که اعتماد ازدست‌رفته شوروی در خلال خروج از افغانستان، دوباره به دست آید و جبران شود.

مسکو در برابر این اقدام در نظر داشت با توجه به مناسبات دیرینه و سنتی با عراق و سوریه، امتیازهای مناسبی را در دیگر بحران‌های موجود در منطقه ازجمله جنگ ایران و عراق و مناقشه اعراب و اسرائیل به دست آورد. در چنین اوضاعی، افشای ماجرای مک‌فارلین و تشت در سیاست خارجی آمریکا، بهترین فرصت را به روس‌ها داد تا بدین وسیله در خلأ حاصل از بی‌اعتباری آمریکا در منطقه، اعتبارشان را در منطقه با رهبری گورباچف دوباره بازبند.

در پی گسترش دامنه جنگ و افزایش نگرانی کشورهای منطقه، این امکان برای شوروی فراهم شد تا با تأکید بر خاتمه فوری جنگ ایران و عراق، تلاش‌های دیپلماتیک خود را توسعه دهد. در این مسیر، روس‌ها برای حل سه مسئله بزرگ و اساسی منطقه، برگزاری سه کنفرانس بین‌المللی را پیشنهاد کردند؛ نخستین کنفرانس بین‌المللی برای حل و فصل اختلاف اعراب و اسرائیل، با عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی عرب‌نشین و تضمین حقوق مشروع ملت فلسطین تشکیل شود. دومین کنفرانس، با هدف متوقف کردن جنگ ایران و عراق و برقراری صلح میان دو کشور، ولو با اعزام نیروهای بین‌المللی به جبهه ایران و عراق و تحریم و مجازات برگزار شود و سومین کنفرانس بین‌المللی برای تأمین آزادی کشتی‌رانی در خلیج فارس، تنگه هرمز و تضمین امنیت آبراه نفتی در برابر هرگونه خطر یا تهدید، تشکیل شود.<sup>۲</sup>

۱. مصباحی، محی‌الدین، اتحاد جماهیر شوروی، جنگ ایران و عراق، فصل هشتم

۲. اداره کل مطبوعات، نشریه ۱۲۳۵، ۱۳۶۶/۲/۲۹، مجله مستقل چاپ فرانسه، ۱۳۶۶/۲/۱۲



تحرکات گسترده دیپلماتیک و سیاسی شوروی که به نحوی بی‌سابقه در حال انجام بود، سبب شد تمایل شوروی به رهبری گورباچف برای به دست گرفتن ابتکار عمل، با کنار گذاشتن سیاست‌های انفعالی پیشین، عمیقاً توجه کشورها، محافل خبری و تحلیل‌گران سیاسی و نظامی را به خود جلب کند، چنان‌که یکی از دیپلمات‌های برجسته آمریکایی در تماس با المستقبل گفت:

وجود یک رهبر میانه‌رو مثل گورباچف، مایه آزار دولت آمریکاست زیرا چنین رهبری می‌تواند به واسطه افکار و نظریات سیاسی خود، کشورهای عربی خشمگین از سیاست آمریکا در منطقه را به‌سوی خود جلب نماید؛ کاری که یک رهبر تندرو و انعطاف‌پذیر اتحاد شوروی از انجام آن عاجز است.

همچنین، یک کارشناس برجسته فرانسوی درباره ماهیت تلاش‌های گورباچف گفت:

«گورباچف سعی می‌کند از مرز بهره‌برداری از اشتباهات سیاست آمریکا در خاورمیانه پا فراتر گذارد. گورباچف عملاً می‌خواهد بر این شعار ایالات‌متحده که می‌گوید جایگزینی جز خود آمریکا برای آمریکا در منطقه خاورمیانه وجود ندارد و دولت ریگان در همکاری با کشورهای عربی به آن تکیه می‌کند، خط بطلان بکشد. گورباچف سعی دارد ضمن بی‌اعتبار کردن این شعار آمریکایی، بسیاری از درهای بسته در خاورمیانه را بگشاید، به امید اینکه کشورهای عربی متوجه شوند که جایگزینی غیر از آمریکا وجود دارد و ایالات‌متحده نه‌فقط ۹۹ درصد رأی‌ها را در خاورمیانه ندارد بلکه حتی قادر به حل بحران‌های این منطقه نیست.»

دیپلماسی شوروی در این مقطع بر دو موضوع تردد آزاد کشتی‌ها در خلیج فارس و خاتمه یافتن جنگ ایران و عراق متمرکز بود و برای خاتمه دادن به جنگ در پی ایفای نقش مهم‌تری بود. روس‌ها که در این باره دیدگاه‌های خاص خود را داشتند، برای تشریح، تفهیم و اجرای آن، پتروفسکی، معاون وزیر خارجه خود را به منطقه فرستادند. وی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در کویت دیدگاه‌های خود را درباره ازسرگیری کوشش‌ها برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق چنین بیان کرد: «سازمان‌دهی مذاکرات با نظارت شورای امنیت سازمان ملل متحد، تدارک یک گردهمایی در سطح وزیران امور خارجه کشورهای عضو شورای امنیت و حضور همه جناح‌های ذی‌نفع جنگ در آن». وی همچنین در این مصاحبه هرگونه توافق میان شوروی و آمریکا را در این خصوص تکذیب کرد.

پتروفسکی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در ابوظبی، ضمن تأکید بر اینکه یکی از اهداف این سفر، تشریح سیاست‌های جدید شوروی در خصوص مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای به رهبری گورباچف است، گفت:

«طرح جدید شوروی به‌منظور ایجاد ثبات در منطقه و خلیج فارس، بر تشکیل یک کنفرانس ویژه بین‌المللی با حضور کلیه کشورهای ذی‌ربط و اتخاذ موضع واحد مشترکی به‌منظور حمایت از کشتی‌رانی آزاد در خلیج فارس و دریای هند متمرکز است.»

وی افزود:

«این طرح متضمن گفت‌وگو درباره کاهش تعداد نیروهای دریایی موجود در منطقه و کنترل حرکت آنان نیز خواهد

بود.<sup>۱</sup>»

دیدگاه‌های شوروی که بخشی از آن در سخنان و مصاحبه‌های پتروفسکی نمایان شد، بیش‌تر مبتنی بر پیوستگی ثبات در خلیج فارس و آزادی کشتی‌رانی، با پایان دادن به جنگ بود. تأکید روس‌ها بر حضور همه طرف‌های ذی‌نفع و تصمیم‌گیری دسته‌جمعی و نیز مذاکره برای کاهش تعداد نیروهای خارجی مستقر در منطقه خلیج فارس، ازجمله مواردی بود که دقیقاً مقابل دیدگاه‌های آمریکا قرار داشت. درواقع، آمریکایی‌ها با هرگونه اقدام و راه‌حلی که به کاهش یا

کم‌رنگ شدن نقش این کشور بینجامد، به‌ویژه آنکه همراه با افزایش موقعیت و نقش شوروی باشد، مخالف بودند؛ حال آنکه چین، فرانسه و انگلیس تلویحاً از این پیشنهاد شوروی استقبال می‌کردند.

پتروفسکی در سفر به کویت و عراق دو تصمیم اساسی گرفت که نشان‌دهنده گستردگی و عمق سیاست‌های جدید شوروی در برابر جنگ ایران و عراق و تردد آزاد نفت کش‌ها در خلیج فارس بود. روس‌ها در این سفر، در خصوص اجاره سه فروند نفت کش شوروی به کویت، به توافق رسیدند. در عراق نیز قرارداد مودت میان شوروی و عراق که در سال ۱۹۷۲ امضاء شده بود، به مدت ۱۵ سال دیگر تمدید شد. نتایج سفر پتروفسکی به عراق و کویت اهمیت ویژه‌ای داشت که بخشی از آن در رسانه‌های خبری انعکاس یافت. در این خصوص، رادیو بی.بی.سی در تحلیلی اعلام کرد: «جنگ ایران و عراق، شوروی را به‌صورت شریکی بااهمیت در حفظ توازن استراتژیک منطقه خلیج فارس در آورده است. توافق هفته گذشته مبنی بر اجاره سه کشتی شوروی به کویت، اهمیت کنونی نقش شوروی در خلیج فارس را تأیید کرده است ... عملی شدن چنین طرحی می‌تواند به‌عنوان نشانه‌ای از افزایش حضور نظامی شوروی در خلیج فارس تلقی شود»<sup>۱</sup>.

خبرگزار فرانسه نیز در تحلیلی درباره استراتژی جدید شوروی آورده است: «قرارداد همکاری شوروی و عراق و به‌خصوص تجدید این قرارداد که در دوره‌ای حساس از موقعیت سیاسی منطقه صورت می‌گیرد، حائز اهمیت بسزایی است. روس‌ها برای روابط دوستانه خود با رژیم عراق بهای زیادی قائل هستند. این استراتژی همواره دلیل بزرگی برای اعمال نفوذ مداوم روس‌ها در عراق بوده است». این خبرگزاری افزود:

«روس‌ها معتقدند برای یافتن جای پا در خلیج فارس و نفوذ تدریجی در آب‌های این منطقه، ابتدا باید درخواست کویتی‌ها مبنی بر اعزام کشتی‌های باری و اصولاً این گونه خواهش‌های به‌ظاهر صلح‌طلبان را لایک گویند و عمل کنند... ارزش و بهایی که روس‌ها برای روابط خود با رژیم بعث عراق قائل‌اند و نقشی که شوروی از آغاز جنگ در تأمین تسلیحات موردنیاز بغداد بر عهده گرفته است، در کنار عوامل دیگر از جانب کرملین، برای به دست آوردن جای پای مناسب در منطقه خلیج فارس است».

مجله سوری الفرسان، سفر پتروفسکی را به‌منزله هشدار به رهبران ایران، مبنی بر اینکه راه‌حل نظامی کهنه شده است، ارزیابی کرد و نوشت:

«معنای این دیدگاه آن است که از نظر شوروی، پایان جنگ خلیج فارس، گامی اساسی در راه تشکیل کنفرانس بین‌المللی صلح است».

همچنین، این مجله ضمن تأکید بر افزایش نفوذ شوروی در منطقه و کاهش نفوذ آمریکا در شش ماه گذشته، به‌ویژه بعد از ماجرای ایران گیت، به اقدامات دیگر شوروی هم‌زمان با سفر پتروفسکی اشاره کرد و نوشت: «هم‌زمان بودن سفر پتروفسکی با سفر حافظ اسد به مسکو و درخواست شوروی برای از سر گرفتن روابط میان سوریه و عراق و سازمان آزادی‌بخش فلسطین و سوریه، دو برگ برنده شوروی در منطقه خاورمیانه است».

تلاش مسکو برای نزدیک کردن عراق و سوریه و همچنین ساف با سوریه، نشانه عمق و گستردگی سیاست خارجی جدید شوروی در منطقه بود. در این مقطع، فشارهای وارده به عراق و سوریه سبب شد ابتدا، نخست‌وزیر سوریه و طه یاسین رمضان با یکدیگر در خاک اردن ملاقات کنند و سپس، حافظ اسد و صدام حسین در حضور ولیعهد عربستان و شاه حسین با هم دیدار کنند.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید؛ درودیان، محمد، جلد چهار تا پنج، سیری در جنگ ایران و عراق، فصل اول و دوم

در این میان، روابط مسکو-تهران نیز کش‌وقوس بسیاری داشت؛ بدین معنا که ایران با در نظر گرفتن موقعیت جدید مسکو و اظهار تمایل شوروی برای خروج از افغانستان در سفر دکتر ولایتی به مسکو، با برگزاری کنفرانس صلح بین‌المللی درباره افغانستان و حضور شوروی موافقت کرد. این موضع‌گیری در رسانه‌های خبری به منزله تغییری اساسی در سیاست دولت ایران در برابر افغانستان تعبیر شد. در سفر دوباره آقای ولایتی به مسکو، گرومیگو وزیر خارجه شوروی، به‌رغم تغییر جدید در مواضع جمهوری اسلامی، برای تحت فشار قرار دادن ایران، از رفتار جمهوری اسلامی در حمایت از مجاهدان مسلمان افغانی انتقاد کرد. در ادامه همین مواضع خصمانه، پنج روز بعد، گرومیگو در ملاقات با طارق عزیز وزیر خارجه عراق، مواضع عراق را سازنده‌تر از مواضع ایران ذکر کرد!

درواقع، روس‌ها بر پایه درکی که از موقعیت ایران داشتند، به‌ویژه پس از افشای ماجرای مک‌فارلین، اوضاع را برای فشار به ایران و اخذ امتیاز در مسئله افغانستان مساعد می‌پنداشتند.<sup>۱</sup> علاوه بر این، لازمه کسب اعتماد عراق و کشورهای منطقه و همچنین، برخی کشورهای اروپایی، تشدید فشار و اتخاذ مواضع خصمانه علیه ایران بود. درعین حال، روس‌ها به این امر واقف بودند که لازمه کسب ابتکار عمل در جنگ و حل موضوع افغانستان و نیز مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و حضور گسترده این کشور در خلیج فارس، نوعی هم‌سویی با ایران و حمایت از مواضع این کشور است. ایران نیز متقابلاً برای مقابله با فشارهای آمریکا، با استفاده از اهرم سازمان ملل و کاهش حمایت این کشور از عراق، بسیار سنجیده و با احتیاط رفتار می‌کرد. در چنین موقعیتی، آقای هاشمی درباره تلاش‌های آمریکا جهت تشدید خصومت میان ایران و شوروی گفت:

«یک بار آمریکایی‌ها به ما نقشه‌ای دادند که به‌اصطلاح خواستند اطلاعات سری به ما بدهند. در این نقشه جای استقرار نیروهای شوروی را در مرز مشخص کرده بودند و فلش‌هایی کشیده بودند که مثلاً نیروهای شوروی از اینجا وارد می‌شوند و به کجا می‌خواهند برسند. خطوط حمله و نیروهایی را که قرار بود حمله کنند، مشخص کرده بودند.<sup>۲</sup>» هنگام تشدید خصومت میان ایران و آمریکا، چنین سخنانی جهت‌گیری خاصی داشت که روس‌ها نیز به آن بی‌توجه نبودند. درعین حال، استراتژی جدید شوروی در منطقه خاورمیانه و مواضع و اقدامات آشکار این کشور علیه ایران سبب شد موضع‌گیری ایران در برابر این سیاست‌ها اعلام شود، چنان‌که رئیس‌جمهور ایران (آیت‌الله خامنه‌ای) در خطبه‌های نماز جمعه فرمودند:

«تاکنون دولت‌هایی ازجمله شوروی ادعا می‌کردند که در جنگ بی‌طرف هستند و بارها این مسئله را در مذاکرات و پیام‌های خود به ما بیان داشته و ارسال تسلیحات خود به عراق را در چارچوب قراردادهای گذشته توجیه می‌کردند اما امروز، روس‌ها به‌طور واضح و علنی عدم بی‌طرفی خود را در منطقه نشان می‌دهند و علناً از دشمن ما حمایت می‌کنند.» ایشان ضمن قابل قبول ندانستن این رفتار، بر این نکته تأکید کردند که ملت ایران هرگز این موضوعات را فراموش نخواهد کرد. همچنین، سخنگوی وزارت خارجه ایران گفت:

«اخیراً شوروی در مورد مسائل منطقه ازجمله تحولات خلیج فارس و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مواضعی اتخاذ کرده است که نمایانگر نوعی فرصت‌جویی برای افزایش نفوذ و یا راضی کردن متحدان آمریکا در منطقه است.» تشدید جو عمومی در کشور و رسانه‌های ارتباط جمعی علیه رفتار جدید شوروی به گونه‌ای بود که نماینده وزارت خارجه شوروی بیان کرد:

۱. درودیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق، جلد چهار، صفحه ۵۰.

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۶/۱/۱۷.

«وسایل ارتباط جمعی ایران و نیز بعضی از مقامات رسمی، اظهارات غیردوستانه‌ای نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بیان می‌کنند. کوشش‌هایی می‌شود تا سیاست اتحاد جماهیر شوروی در قبال ایران و جنگ ایران و عراق تحریف گردیده و تاریخ روابط دوجانبه میان دو کشور ما قلب [دگگون] شود.»

آقای هاشمی در پاسخ به گلایه نماینده وزارت خارجه شوروی و اظهار گله‌مندی متقابل، ضمن اعلام سیاست ایران درباره آینده عراق مبنی بر حاکمیت یکپارچه ملت عراق و مخالفت با تلاش‌های آمریکا در منطقه، تأکید کرد: «مهم‌ترین مسئله ما با روس‌ها، حمایت آن‌ها از عراق است.»

همچنین، آقای هاشمی در دیدار با سفیر کوبا، ضمن انتقاد از سیاست‌های شوروی گفت: «ما برای این حرکات شوروی، تفسیر منطقی و عاقلانه‌ای نمی‌بینیم. شوروی چگونه حمایت از یک رژیم دیکتاتور و تجاوزگر همچون رژیم بعث عراق را بر حمایت از یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی ترجیح می‌دهد؟ سران شوروی اگر فکر می‌کنند که عراق به آن‌ها وفادار می‌ماند، در اشتباه‌اند.<sup>۱</sup>»

روس‌ها در این خصوص، در چارچوب استراتژی جدید منطقه‌ای خود عمل می‌کردند و توجه چندانی به دیدگاه‌ها و مواضع ایران نداشتند.

درمجموع، در مقایسه میان آمریکا و شوروی، با توجه به وضعیت حاکم بر منطقه و گستردگی تلاش‌های شوروی، موقعیت این کشور مطلوب‌تر ارزیابی می‌شد زیرا مسکو ضمن ارتباط با همه کشورهای منطقه، طرح‌ها و پیشنهادهای نسبتاً روشن و پذیرفتنی برای طرف‌های ذی‌نفع داشت و همین امر، مقدمات افزایش نفوذ شوروی را در منطقه فراهم کرد.

### ۳-۵) کمک‌های شوروی به عراق

در این مرحله، روس‌ها علاوه بر ارسال سلاح به عراق، بازآرایی از ضعف‌های ساختاری ارتش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله در توسعه نیروهای مسلح عراق و طرح‌ریزی استراتژی تهاجمی عراق نیز نقش فعال و محوری داشتند. کمک‌های شوروی به عراق در این مرحله در مقایسه با کمک سایر کشورها بسیار برجسته‌تر و نمایان‌تر بود و تا اندازه‌ای، تأثیرات سرنوشت‌سازی را بر روند تحولات جنگ داشت. یکی از مسئولان حزب کمونیست شوروی درباره علل ارسال سلاح به عراق گفت:

«شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنه نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سر گرفت و نه به خاطر اینکه جنگ ادامه یابد. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلال وارد آورد. ازاین‌رو، شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده است و این کار همچنان ادامه دارد ... هدف از چنین معاملاتی آن است که از پیروزی مهاجم کنونی یعنی جمهوری اسلامی ایران جلوگیری شود. طرف مهاجم تا زمانی که معتقد باشد پیروزی نظامی‌اش امکان‌پذیر است، حاضر نخواهد شد در گفت‌وگوهای صلح و پایان دادن به نبرد شرکت جوید.»

گسترش مناسبات همه‌جانبه عراق و شوروی این امکان را فراهم ساخت تا روس‌ها اهداف جدید سیاست خارجی خود را در منطقه و در برابر ایران پیگیری کرده و در مقابل، عراقی‌ها نیز با برخورداری از حمایت سیاسی-نظامی شوروی، تجهیزات نظامی و کمک‌های مستشاری دریافت کنند. طه یاسین رمضان، از مسئولان وقت دولت عراق در مصاحبه‌ای

با مجله الدستور ضمن انتقاد از آمریکا و تأکید بر این مسئله که "موضع آمریکا پر از تضاد است"، با اشاره به موضع شوروی گفت:

«اتحاد شوروی موضع خود را روشن ساخته است ... روابط فعلی عراق با اتحاد شوروی در تمامی جنبه‌ها رو به گسترش می‌رود.»

چند ماه پس از آن، وی به مسکو سفر کرد و در بازگشت به بغداد گفت:

«در این دیدار، صورت جلسه هجدهمین دوره کمیته همکاری مشترک عراق و شوروی در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فنی به امضاء رسید.»

وی در قاهره نیز رسماً اعلام کرد:

«شوروی‌ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.»

بر اساس گزارش هفته‌نامه "فارین ریپورت" چاپ لندن در مورد کمک‌های تسلیحاتی شوروی به عراق، روس‌ها از اول ماه ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی به منظور تحویل اسلحه به عراق به کار انداختند و موشک‌های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد-B، تانک‌های جدید تی-۷۲، هواپیماهای میک ۲۳ و میگ ۲۵ که به صورت قطعات جداگانه حمل می‌شد و موشک‌های ضد هواپیما از انواع گوناگون همراه با تکنسین‌های روسی را به عراق فرستاد. علاوه بر آن، حکومت مسکو، چهار فروند هواپیمای سوخت‌رسان از نوع توپولف ۷۲ برای سوخت‌رسانی از آسمان به هواپیماهای جنگی و بمب‌افکن‌های عراق به آن کشور تحویل داد.

جیمز بیل، یکی از محققان آمریکایی طی مقاله‌ای در مورد کمک‌های شوروی به عراق نوشت:

«شوروی با عراق روابط بسیار نزدیکی دارد و حدود ۶۰ درصد از تجهیزات نظامی آن کشور را تأمین می‌کند و علاوه بر هواپیماهایی مانند میگ ۲۱، ۲۳ و ۲۵، در حال حاضر میگ ۲۹ و هزاران فروند موشک زمین به زمین اسکاد فواگ در عراق گذاشته است. مستشاران شوروی با مقامات نظامی عراق بر اساس یک برنامه منظم همکاری می‌کنند. شکی وجود ندارد که اتحاد جماهیر شوروی، بزرگ‌ترین قدرت خارجی است که از عراق حمایت می‌کند.»

با توجه به شواهد، قرائن و اطلاعات موجود، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ طی سخنانی در مورد کمک تسلیحاتی شوروی به عراق و دلایل آن گفت:

«ما می‌دانیم که ۷۰ تا ۸۰ درصد تسلیحات عراق از آن روس‌هاست.»

### ۳-۶) کمک‌های فرانسه به عراق

فرانسوی‌ها در مقایسه با سایر کشورهای غربی، بیش‌ترین تسلیحات موردنیاز عراق را به این کشور واگذار کردند. فرانسوی‌ها منابع استراتژیک و انگیزه‌های مالی لازم را برای تقویت عراق داشتند. به همین دلیل از شهریور سال ۱۳۵۹، فروش تسلیحات نظامی فرانسه به عراق به ۵/۶ میلیارد دلار رسید و ۴/۷ میلیارد دلار نیز قراردادهای بازرگانی و غیرنظامی میان دو کشور منعقد شد. دست کم، هفت میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. در سال ۱۹۸۲ میلادی، ۴۰ درصد از صادرات تسلیحاتی فرانسه به عراق ارسال شد؛ میراث‌اف-۱، موشک‌های هوا به هوا ناژیک-۱، موشک‌های اگزوست AM-۳۹ و پس از آن، هواپیماهای سوپر استاندارد علاوه بر تقویت قدرت هوایی عراق، این کشور را برای حمله به نفت‌کش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران از موقعیت برتری برخوردار کرد. همچنین، عراقی‌ها یک قرارداد ۶/۵ میلیارد دلاری تحت عنوان "پروژه فاو" با سه شرکت خصوصی فرانسوی امضاء کردند. عراقی‌ها

۱. درودیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق، جلد پنجم، صفحه ۲۴

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۶/۱۰/۲۸، به نقل از رادیو اسرائیل، ۱۳۶۵/۱۰/۳

پیش‌بینی کرده بودند که طی سه مرحله، از ساخت هواپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به‌جای تعمیر و ارائه خدمات به میراث‌های اف-۱ در فرانسه، در کشور خود به این کار اقدام کنند. همچنین، عراقی‌ها امیدوار بودند با احداث کارخانه هواپیماسازی "سعد ۲۵" و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی آلفا جت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. عراق در مرحله پایانی می‌توانست هواپیمای میراث ۲۰۰۰ اس را به‌عنوان بمب‌افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می‌کرد و دستگاه رادار آن می‌توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید کند. افزون بر این، فرانسوی‌ها نقش برجسته‌ای در ساخت راکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دستیابی عراق به سلاح اتمی داشتند.

### ۷-۳) کمک‌های انگلیس به عراق

رونق ناگهانی بازار عراق برای صنایع ابزارسازی انگلیس نیز کارساز بود. بر اساس برآورد انجمن تکنولوژی ابزارهای ماشین (MTAA)، فروش ابزار ماشین انگلیس به عراق از ۲/۹ میلیارد دلار در ۱۹۸۷ میلادی به ۳۱/۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش یافت. از سوی دیگر، برخی از کارخانه‌های انگلیس در پی فروش سلاح به عراق سودآور شدند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی، فروش این اقلام به ۱/۲ میلیارد دلار رسید. هم‌زمان، انگلیس‌ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان اطلاعاتی m-15 کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند.<sup>۱</sup>

### ۸-۳) کمک‌های آلمان به عراق

آلمان‌ها همانند فرانسه و انگلیس، تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار عراق قرار دادند. فناوری آلمان‌ها در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی و موشکی بیش از سایر بخش‌ها به کار گرفته شد. آلمان‌ها مانند فرانسوی‌ها نوعی اتحاد استراتژیک با عراق داشتند اما این اتحاد با موانعی روبرو بود. آن‌ها نمی‌توانستند روابط خود را کاملاً علنی سازند. یکی از دلایل پنهان‌کاری آلمان‌ها، جلوگیری از خشمگین شدن ایران بود زیرا شرکت‌های آلمانی، روابط اقتصادی نسبتاً گسترده‌ای با ایران داشتند و مایل نبودند بر اثر افشای کمک‌های آلمان به عراق، این روابط دچار آسیب شود. در این حال، آلمان‌ها در چارچوب سیاست‌های خود و با هدف کاهش خشم صدام نسبت به روابط بازرگانی آلمان با ایران، صادرات خود را در سال ۱۹۸۸ میلادی نسبت به سال قبل با جهش چشم‌گیری ادامه دادند. فروش آلمان به عراق در فاصله یک دوره ۱۲ ماهه، در چهار حوزه مهم شیمیایی، کالاهای ساخته‌شده، ماشین‌های سنگین و کنترل ابزار دقیق ماشین و ابزارهای علمی، دو برابر شد. ارزش فناوری پیشرفته آلمان به عراق از ۳۷۴/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ میلادی به ۸۲۶/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی رسید. بخشی از کارخانه‌های آلمان نیز به‌صورت انحصاری، سلاح‌های موردنیاز صدام را می‌ساختند.

### ۹-۳) کمک‌های کویت و عربستان به عراق

کشورهای غربی به‌ویژه کویت و عربستان نیز با کمک‌های مالی به عراق بخشی از هزینه‌های این کشور را متحمل شدند. برابر گزارش "کردزمن"، دو کشور یادشده در مجموع ۲۵ تا ۵۰ میلیارد دلار به‌صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند.<sup>۲</sup> بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام‌های عراقی مبنی بر "جنگ با ایران

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۲/۷، ابوغزاله در گفتگو با رادیو کویت

۲. روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۲/۷، به نقل از خبرگزاری آسوشیتد پرس، ۱۳۶۹/۵/۲۳

به تنهایی"، ابوغزاله، معاون اسبق رئیس‌جمهور و وزیر دفاع مصر ادعای عراق را به‌عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت:

«تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند.»

فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی گفت:

«اگر عراق می‌گوید افراد خود را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح‌های پیشرفته و همکاری بین‌المللی در این فداکاری سهیم بوده‌ایم.»

سپس، وی اقدامات رهبری عراق را نشان ناسپاسی نسبت به حمایت‌های نظامی عربستان ذکر کرد. هم‌زمان، "شیخ الصباح" سفیر کویت در واشنگتن در پاسخ به اظهارات عراقی‌ها گفت:

«کویت، ۱۴ میلیارد دلار کمک‌های نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراقی مساعدت نموده است... و طی جنگ، نفت را بیش از نیاز صادر می‌کرد تا به صدام در جنگ کمک کند.» بعدها کویتی‌ها اذعان داشتند، افزون بر کمک‌های مالی، پایگاه نیروی هوایی را در اختیار عراق دادند که همین امر به عراقی‌ها برای حمله به جزیره خارک و پایانه‌های نفت ایران و نفت کش‌ها کمک شایانی کرده بود.

عراقی‌ها تجهیزات و مواد خامی را که برای مقاصد نظامی نیاز داشتند، از ۲۰۰ شرکت در ۲۱ کشور جهان به دست می‌آوردند. غربی‌ها در نظر داشتند با کمک به عراق از برتری نظامی ایران و تغییر موازنه به سود این کشور جلوگیری کنند. در نتیجه، این کمک‌ها همراه با حمایت‌های مالی کشورهای غربی حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان و سلاح‌های روسی، قدرت زمینی عراقی‌ها را بهبود بخشید و آن‌ها توانستند با تکیه بر سلاح‌های فرانسوی و روسی توان هوایی خود را افزایش دهند. قدرت توپخانه این کشور نیز با خرید جنگ‌افزار از کشورهای مختلف افزایش یافت و قدرت ایجاد زیرساخت صنعتی برای تولید موشک و سلاح‌های شیمیایی با کمک آلمان‌ها به وجود آمد و تقویت شد.<sup>۱</sup>

به دنبال پیدایش چنین وضعیتی، صدام در مهرماه ۱۳۶۶ در مصاحبه با روزنامه کویتی "السیاسه"، برتری عراق را این چنین مورد تأکید قرار داد:

«در حال حاضر، عراق در تمام زمینه‌های سیاسی و نظامی، قوی‌تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل نسبت به شش ماه قبل، دو برابر شده است.»

وی همچنین در مصاحبه با روزنامه "بوربا" چاپ عراق با توجه به تشدید درگیری در خلیج فارس گفت:

«روند تمام عواملی که احتمالاً موجب خاتمه بخشی به جنگ ایران و عراق خواهد شد، اخیراً به‌طور رضایت بخشی به نفع عراق در حرکت است.»

صدام این عوامل را شامل "اوضاع جهان در غرب"، "روابط بین‌المللی"، "موقعیت قوی‌تر عراق از لحاظ نظامی" و "افکار عمومی مردم ایران" ذکر کرد. وی در این مصاحبه در مورد مواضع و نظرات ابرقدرت نسبت به جنگ گفت که آن‌ها بیش‌تر در فکر به دست آوردن صلح هستند. مدتی بعد، در پی تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ و حضور آمریکا در خلیج فارس و درگیری میان ایران و آمریکا، صدام در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه درباره روند جنگ گفت:

«اهداف ایران در سال‌های اول تا هشتم جنگ تحقق پیدا نکرده است و پیش‌بینی هم نمی‌شود که در سال‌های هشتم، نهم و دهم تحقق یابد.»

وی همچنین تأکید کرد:

«پیروزی بر عراق به‌طور قطع غیرممکن است.<sup>۲</sup>»

۱. درودیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق، فصل پنجم، صفحه ۳۱

۲. درودیان، محمد، سیری در جنگ عراق علیه ایران، تهران، انتشارات قلم آذین، جلد پنجم، چاپ ششم، سال ۱۳۹۰، ص ۳۱



### نقض مقررات حقوق بشردوستانه توسط دولت عراق در جنگ تحمیلی

امروزه در حقوق بین‌الملل منع توسل به زور و تحریم جنگ به اصل و قاعده‌ای بنیادین تبدیل شده است؛ هرچند در بیشتر موارد رفتار کشورها با این اصل چندان هماهنگ و سازگار نیست. این ناسازگاری بدان معناست که عهدنامه‌ها، کنوانسیون‌ها و حقوق بین‌الملل به‌طور کلی نتوانسته‌اند با وجود ممنوعیت توسل به مخاصمات مسلحانه، با تدوین مقرراتی از شدت جنایات در آن‌ها بکاهند.

نقض مقررات حقوق بشردوستانه، فقط گوشه‌ای از عملکرد دولت عراق در جنگ هشت‌ساله علیه جمهوری اسلامی ایران است و پرداختن به ابعاد حقوقی و موارد نقض حقوق بشردوستانه توسط دولت عراق نیازمند تحقیقاتی بسیار گسترده بوده که درج آن‌ها نیازمند صدها کتاب است. ما فقط بخشی از نقض مقررات حقوق بشردوستانه توسط دولت عراق علیه ایران را به رشته تحریر در آورديم.

#### ۴-۱-۱) تعریف مخاصمه

#### ۴-۱-۲) انواع مخاصمات

مخاصمات را از نظر قلمرو آن می‌توان به مخاصمات داخلی و مخاصمات بین‌المللی تقسیم‌بندی کرد.

- ۴-۱-۲-۱) مخاصمات داخلی
- ۴-۱-۲-۲) مخاصمه‌های بین‌المللی

#### ۴-۱-۳) قواعد حقوق مخاصمات بین‌الملل

حقوق مخاصمات، بخشی از حقوق بین‌الملل بوده که در هنگام مخاصمات بر روابط بین کشورها حاکم است و هدف آن، کاهش آلام، صدمات و خسارات ناشی از جنگ است. حقوق مخاصمات با اصول اولیه نظامی از قبیل اجتناب از هدررفت نیرو، تمرکز نیرو و وحدت عمل مطابقت دارد. تمرکز نیرو بر روی اهداف اصلی و دور نگه داشتن آن از اشخاص یا اشیائی که از ارزش نظامی کمی برخوردار بوده یا فاقد ارزش نظامی هستند، مقتضیات نظامی و بشردوستانه هر دو را تأمین می‌کند<sup>۱</sup>.

#### ۴-۱-۵) اصول اولیه حقوق مخاصمات مسلحانه

اصول اولیه حقوق مخاصمات مسلحانه که اصول کلی حقوق بشردوستانه را شامل می‌شوند، همان قواعد آمره‌ای است که رعایتشان در هر شرایطی برای همگان الزامی است.

- ۴-۱-۵-۱) رفتار انسانی و عدم تبعیض
- ۴-۱-۵-۲) ضرورت نظامی
- ۴-۱-۵-۳) ضرورت تبعیت از حقوق مخاصمات مسلحانه

۱. آنتونی، راجرز، مترجم: حسین یکتا، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ص ۳۲



## ۲-۴) نقض مقررات حقوق بشردوستانه توسط دولت عراق در جنگ تحمیلی

### ۲-۴-۱) مفهوم حقوق بین‌الملل بشردوستانه

«حقوق بین‌الملل بشردوستانه به آن بخش از حقوق بین‌الملل عمومی اطلاق می‌شود که بر کاربرد نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان درگیری مسلحانه حاکم است.<sup>۱</sup>» هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کاهش یا محدودسازی رنج و آلام افراد در زمان جنگ و دیگر درگیری‌های مسلحانه است. به‌هرحال، هرچند قواعد حقوق بشردوستانه سال‌ها پیش از تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر با نام‌های دیگری وجود داشته و اعمال شده است اما از این واقعیت نیز نمی‌توان غافل شد که اصطلاح حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصطلاحی نسبتاً تازه است که در پرتو توسعه مقررات حقوق بشر در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم رواج یافته است.<sup>۲</sup>

### ۲-۴-۲) تاریخچه حقوق بین‌الملل بشردوستانه

مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه و حقوق جنگ را دولت‌ها طی قرن‌ها مورد توجه قرار داده و رعایت یا نقض کرده‌اند. آن‌طور که یافته‌ها و تحقیقات تاریخی نشان می‌دهند، تفکر و رفتار انسان‌دوستانه در تمدن‌های قدیمی و قبایل بدوی نیز موجود بوده است. برای نمونه، نهاد سازمان‌یافته‌ای در میان سومریان وجود داشته است که در آن قواعدی مانند اعلام جنگ، حکمیت، مصونیت سفیران و قرارداد صلح رعایت می‌شده است. در این دوران، رسم آزادسازی اسیران در مقابل فدیة نیز متداول بوده است. در تمدن بابل نیز رعایت برخی از قواعد جنگ و حقوق بشردوستانه وجود داشته که این قواعد در مجموعه قوانین معروف پادشاه آن آورده شده است.<sup>۳</sup>

### ۲-۴-۳) جایگاه حقوق بین‌الملل بشردوستانه در نظام حقوقی بین‌المللی

امروزه، قسمت اعظم قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی، وضعیت عرفی پیدا کرده‌اند و برای دولت‌های غیر تصویب‌کننده آن‌ها نیز الزام‌آور هستند. شرط مشارکت همگانی که در اسناد بین‌المللی پیشین در مورد مخاصمات مسلحانه گنجانده می‌شد، اکنون از بین رفته است و دولت‌های متخاصم نمی‌توانند رعایت قواعد کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشردوستانه را به رعایت طرف مقابل منوط کنند. ممنوعیت فسخ یا نقض قواعد و مقررات انسان‌دوستانه نیز یکی از موارد مستثنا است که در آن، طرف یک معاهده نمی‌تواند به دلیل و به استناد نقض مقررات معاهده به دست طرف مقابل، مقررات مربوط به حقوق بشردوستانه را (به‌عنوان اقدامی متقابل) نقض کند.<sup>۴</sup>

### ۲-۴-۴) حملات گسترده هوایی، موشکی و توپخانه‌ای به مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی

حمله رژیم عراق به شهرها و روستاهای بی‌دفاع ایران، از جمله عملکردهای وحشیانه و ضد بشری ارتش متجاوز رژیم عراق بود. این رژیم با نادیده انگاشتن اصول انسانی و زیر پا گذاشتن مقررات و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حمله به مناطق مسکونی و مردم غیرنظامی را مدت‌ها پیش از تجاوز آشکار خود آغاز کرده بود و پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مردم بی‌دفاع شهر مهران را هدف حمله هوایی خود قرار داد. رژیم بغداد پس از این اقدام

۱. پورمحمدی، نعمت‌الله، حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، سال ۱۳۸۵، ص ۲۰.

۲. پورمحمد، نعمت‌الله، حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، سال ۱۳۸۹، ص ۲۱.

۳. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مجله تحقیقات شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۴۹.

۴. موسوی‌زاده، رضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، تهران، نشر دادگستری، بهار، ۱۳۷۷، ص ۲۸۶.

غیرانسانی، تا آغاز حمله گسترده نظامی خود در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، دیگر مناطق مسکونی ایران را صدها بار هدف حملات هوایی، موشکی و آتش توپخانه خود قرار داد.

#### ۴-۲-۵) حمله به آثار و اموال فرهنگی

انگیزه واقعی حقوق بین‌الملل در حفاظت و حمایت اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه، بر این فکر مبتنی بوده است که آثار فرهنگی بخشی از دارایی مشترک بشریت است و در صورت لزوم باید به فنون متناسب نگهداری شوند. اهمیت مسئله برای علما و صاحب‌نظران، حتی پیش از جنگ جهانی دوم نیز روشن بوده است.

#### ۴-۲-۶) قتل عام مجروحان

بی‌گمان، رفتار ضد انسانی با مجروحان ایرانی در صحنه نبرد از فجیع‌ترین و هولناک‌ترین اعمالی بود که نیروهای ارتش عراق در جنگ تحمیلی انجام دادند در حالی که بر اساس قوانین انسان‌دوستانه بین‌المللی باید با مجروحان با احترام و به شیوه انسانی رفتار شود. در ماده سوم تمامی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو آمده است که افراد زخمی و مجروح را باید جمع‌آوری و از آن‌ها پرستاری کرد. چنین تعهدی در عهدنامه‌های ۱۸۶۴ و ۱۹۲۹ ژنو نیز پیش‌بینی شده بود. در ماده ۱۵ قرارداد نخست ژنو و ماده ۱۸ قرارداد دوم ژنو نیز آمده است: «در هر حال، دولت‌های متخاصم به‌ویژه پس از آغاز جنگ، بدون فوت وقت، تدابیر موردنیاز را برای جستجو و جمع‌آوری مجروحان و بیماران، اتخاذ و آنان را در مقابل چپاول و بدرفتاری حفظ کنند...».

#### ۴-۲-۷) نمونه‌هایی از حملات شیمیایی عراق

ناکامی ارتش عراق در تأمین اهداف رژیم حاکم بر این کشور، فرماندهان این ارتش را بر آن داشت تا پس از مشورت با کارشناسان عالی‌رتبه دولت‌های استکباری، به‌ویژه کارشناسان شیمیایی شوروی (سابق)، به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در کنار دیگر سلاح‌های مرگبار خویش توجه کنند.

طی جنگ تحمیلی، عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به‌کارگیری انواع عوامل شیمیایی مانند گازهای خردل، تاول‌زا، فسفر، اعصاب، ناتوان‌کننده، نیتروژن، ترکیب‌های خردلی و خون، سیانور، خفه‌کننده و غیره از طریق هواپیماها، توپخانه‌ها و شلیک انواع گلوله‌های شیمیایی دریغ نکرد.

#### ۴-۲-۸) اعتراف عراق به کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران

مقام‌های عراق که از پشتیبانی ابرقدرت‌های شرق و غرب، اغلب کشورهای اروپایی و عرب، به‌ویژه کشورهای ثروتمند حاشیه خلیج فارس برخوردار بودند، از تهدید برای به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی یا حتی اقرار به کاربرد آن هیچ واهمه‌ای نداشتند. سند قوی سری نیروی هوایی عراق درباره استفاده مکرر و گسترده رژیم عراق از سلاح‌های مرگبار شیمیایی در جنگ با ایران که از سال ۱۳۷۷ تاکنون به جنجالی میان بغداد و سازمان ملل تبدیل شده، از به‌کارگیری شش هزار بمب شیمیایی علیه نیروهای ایرانی پرده برداشت.

#### ۴-۲-۹) سازمان ملل متحد و کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران

در سال ۱۹۳۱، عراق پروتکل ۱۹۲۵ ژنو را در خصوص به‌کار نرفتن سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در جنگ‌ها امضاء کرد و مقررات کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو مبنی بر درخواست از کشورها برای توقف تولید، تکمیل و ذخیره‌سازی تمامی

سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و انهدام آن‌ها و همچنین، قطعنامه شماره ۳۷/۹۸ سازمان ملل با تأکید بر لزوم رعایت مفاد پروتکل ۱۹۲۵ و کنوانسیون ۱۹۲۷ ژنو را به همراه کشورهای عضو سازمان ملل متحد به رسمیت شناخت. عراق با پذیرش و تصویب کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی مربوط به سلاح‌های شیمیایی، رسماً متعهد شد که از کاربرد این گونه سلاح‌ها خودداری کند اما در عمل به شدیدترین شکل از سلاح‌های مرگبار شیمیایی به‌طور گسترده علیه نظامیان و مردم غیرنظامی ایران و عراق استفاده کرد و پس از تحمل شکست‌های پی‌درپی، به کاربرد گازهای سمی روی آورد.

#### ۴-۲-۱۰) مواضع شورای امنیت

بر اساس منشور ملل متحد، شورای امنیت، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد (ماده ۲۴) و تمامی اعضاء ملل متحد با این موضوع موافق‌اند که تصمیم‌های شورای امنیت را طبق این منشور بپذیرند و اجرا کنند (ماده ۲۵). بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران به دنبال اقدام عراق در به‌کارگیری مکرر سلاح‌های شیمیایی علیه نظامیان و غیرنظامیان، موضوع را به دبیر کل سازمان ملل گزارش می‌داد. همان‌طور که در گفتار قبل اشاره شد، رژیم عراق از همان نخستین هفته‌های جنگ، سلاح‌های شیمیایی را علیه نظامیان به کار گرفت.

#### ۴-۲-۱۱) مواضع مجمع عمومی سازمان ملل متحد

حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، مسئولیت انحصاری شورای امنیت نیست زیرا هدف اصلی سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت جهانی است و این هدف ایجاب می‌کند که تمامی ارکان سازمان ملل، به‌ویژه مجمع عمومی که فراگیرترین رکن سازمان ملل متحد است، در حفظ صلح مشارکت کند اما برای اینکه به‌صورت مؤثر با عواملی که صلح و امنیت جهانی را به خطر می‌اندازد، مقابله شود، وظیفه اصلی پاسداری از صلح را به شورای امنیت سپردند و امکان اقدام‌های اجرایی را برایش پیش‌بینی کردند. بدین ترتیب، مسئولیت دیگر ارکان، به‌ویژه مجمع عمومی، درباره مهم‌ترین هدف سازمان ملل متحد، مسئولیتی ثانوی و تبعی است.

#### ۴-۲-۱۲) نقض مقررات پروتکل نخست ۱۹۷۷

پروتکل الحاقی نخست سال ۱۹۷۷، قواعدی را درباره رزمندگان در حین مخاصمات مسلحانه مقرر کرده است که بر مبنای آن، حقوق دولت‌های درگیر در انتخاب روش‌ها و وسایل جنگ محدود می‌گردد. از کار انداختن و در هم کوبیدن نیروهای نظامی دشمن، تا مدت‌ها سنگ بنای تمامی اقدام‌ها در جنگ بود. ضرورت، قانون نمی‌شناخت و متخاصمان، نیروی خود را در حد توان به کار می‌بردند تا اراده طرف مقابل را از بین ببرند. با وجود این، "اصول انسان‌دوستانه" در پی استقرار هنجارهای رفتاری مثبت انسانی در عرصه‌هایی بوده است که کینه‌های متقابل و تمایل به وارد کردن آسیب به حریف را در بر داشته است.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۱۳) حمله عراق به خطوط کشتی‌رانی بین‌المللی

رژیم عراق با صدور اعلامیه شماره ۱۰۰/۸۲ اعلام کرد که تعدادی از بندرهای جمهوری اسلامی ایران واقع در خلیج فارس را محاصره دریایی کرده است و به کشتی‌های دولت‌های بی‌طرف که قصد ورود یا خروج از آن‌ها را داشته باشند، حمله خواهد کرد. از آغاز جنگ تا پایان آن، رژیم عراق بیش از سیصد فروند کشتی را در آب‌های خلیج فارس

۱. زمانی، سید قاسم، حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، بنیاد حفظ آثار ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۷۶، ص ۳۳

هدف حمله هوایی قرار داد. از این تعداد، ۱۸۲ فروند نفت کش و بقیه، کشتی‌های تجاری و کشتی‌های دیگر بودند. در این حمله‌ها، حدود چهارصد نفر کشته و پانصد نفر زخمی شدند.

بررسی حقوق جنگ اعم از حقوق عرفی و قراردادی، این امر را روشن می‌کند که به‌منظور اطمینان از اینکه دولت‌های بی‌طرف در جنگ، بی‌طرفی خود را رعایت می‌کنند و به دولت‌های درگیر جنگ کمک و یاری نمی‌نمایند، دو حق برای دولت‌های متحارب شناخته شده است که عبارت‌اند از محاصره دریایی دشمن و حق بازدید و بازرسی کشتی‌های تجاری کشورهای بی‌طرف. محاصره دریایی<sup>۱</sup> از دیدگاه حقوق بین‌الملل عبارت است از جلوگیری از کمک کشورهای ثالث به ارتش دشمن و فلج کردن اقتصاد و تجارت دشمن از طریق محاصره دریایی بنادر و سواحل دولت متخاصم.

#### ۴-۲-۱۴) تهدید خطوط هوایی بین‌المللی و حمله به هواپیماهای مسافربری

رژیم عراق با تهدید خطوط هوایی بین‌المللی و حمله به هواپیماهای مسافربری، سبب کشته یا زخمی شدن تعدادی از افراد بی‌گناه و وارد آمدن خسارت به دولت‌های بی‌طرف شده است. این اقدامات عراق با بخشی از حقوق جنگ از جمله مقررات حمایت از افراد غیرنظامی و حمایت از حقوق دولت‌های بی‌طرف در جنگ مغایر بود. افزون بر آن، اقدام عراق طبق کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو درباره حفظ امنیت خطوط حمل‌ونقل هوایی بین‌المللی، تأمین سلامتی و نظم پرواز و نیز تضمین ایمنی مسافران و خدمه هواپیما، نقض تعهدات بین‌المللی بوده است. ماده ۴۴ کنوانسیون شیکاگو ضمن برشمردن "هدف‌های موردنظر سازمان ایکائو" تأکید می‌کند که:

الف) پیشرفت امور هواپیمایی بین‌المللی کشوری در سراسر جهان با کمال نظم و بی‌خطری تأمین شود؛

ب) امنیت پرواز در هوانوردی بین‌المللی، تعمیم و توسعه یابد.

#### نتیجه‌گیری

در مطالبی که شرح آن گذشت، نحوه رفتار رژیم عراق با افراد و اهداف غیرنظامی و همچنین، شیوه برخورد نیروهای ارتش عراق با رزمندگان ایرانی در مراحل مختلف نبرد و نیز روش برخورد با آن‌ها در صورت دستگیری از آغاز اسارت تا انتقال آنان به اردوگاه‌های اسیران جنگی و پس از آن، با توجه به حقوق بین‌الملل بشردوستانه بررسی شد. سؤال‌ها عبارت‌اند از:

جایگاه حقوق بشردوستانه و حقوق مخاصمات در جنگ عراق علیه ایران، تعریف دفاع مشروع و نیز جایگاه آن، تجاوز چیست، نقش دولت‌های فرمانطقه‌ای در جنگ عراق علیه ایران چگونه بوده است. همچنین، این فرضیه‌ها مطرح می‌شود که طبق قطعنامه‌ها و گزارش‌های جامعه بین‌الملل، متجاوز بودن عراق در جنگ تحمیلی به اثبات نهایی می‌رسد. منشور ملل متحد به‌ویژه ماده ۵۱ در اصل دفاع مشروع تأثیر داشته است. جایگاهی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه در نظام حقوقی بین‌المللی و سلاح‌های کشتار جمعی علیه غیرنظامیان داشته است. همچنین، عدم توسل به زور و پایبندی به معاهدات استوار که متأسفانه کشور ایران در این جنگ هشت‌ساله توسط مدافعان حقوق بشر که نقش مهمی در جنگ تحمیلی ایفا نمودند، مظلوم واقع شد و با پیدا شدن اجساد هزاران انسان که حاصل حمایت‌های همه‌جانبه دولت‌های فرمانطقه‌ای بوده است، نقض کامل قواعد حقوق بشردوستانه به‌وضوح قابل مشاهده است.

۱. منظور از محاصره دریایی در این نوشته، محاصره دریایی در زمان جنگ است که با محاصره دریایی در ایام صلح و همین‌طور محاصره اقتصادی، متفاوت است.

در فصل دوم با عنوان ادبیات تحقیق، به تجاوز و دفاع مشروع پرداختیم که در تعریف تجاوز می‌توان گفت، کاربرد نیروهای مسلح به‌وسیله یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور از راه‌های مغایر با منشور ملل متحد است.

دفاع مشروع عبارت است از کاربرد قانونی زور متقابل در پاسخ به استفاده غیرقانونی قبلی از زور بر اساس دیدگاه منشور ملل متحد یا حداقل تهدید به زور بر اساس تفسیر موسع از حقوق عرفی بین‌المللی تحت شرایطی که حقوق بین‌الملل مقرر داشته است.

در فصل سوم به نقش دولت‌های فرامنطقه‌ای از قبیل آمریکا، شوروی سابق، فرانسه، انگلیس، آلمان، کویت و عربستان در جنگ عراق علیه ایران اشاره شده که آمریکایی‌ها علاوه بر فروش سلاح به عراق، در بسیاری از زمینه‌ها تسلیحات لازم را برای تأمین نیازهای تسلیحاتی عراق فراهم می‌کردند. همچنین، برابر گزارش‌های موجود، آمریکا در مدت‌زمان پنج سال (۱۳۶۶ تا ۱۳۶۱)، معادل ۱/۵ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیکی، انواع ماشین‌آلات، دستگاه‌های حساس و رایانه‌های فوق‌العاده قوی در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی، موشکی و هسته‌ای را به دولت عراق فروخت. کمک‌های قابل توجه از سوی شوروی، فرانسه، آلمان، انگلیس، عربستان و کویت به عراق در طول جنگ تحمیلی نیز بی‌اثر نبوده است.

سرانجام، در فصل چهارم، حقوق مخاصمات و تعریف مخاصمه به‌عنوان یک وضعیت خاص و استثنائی نسبت به حالت صلح عبارت است از توسل به زور هر یک از تابعان حقوق بین‌الملل که می‌تواند به دو شکل متفاوت عملیات نظامی و غیرنظامی ظاهر شود. انواع مخاصمات به مخاصمات داخلی و مخاصمات بین‌المللی تقسیم‌بندی می‌شود. همچنین، نقض مقررات بشردوستانه توسط دولت عراق در جنگ تحمیلی که این نقض‌ها شامل حملات گسترده هوایی، موشکی و توپخانه‌ای به مناطق مسکونی و غیرنظامی، حمله به آثار و اموال فرهنگی، قتل عام مجروحان، حملات شیمیایی و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ با ایران، حمله عراق به خطوط کشتیرانی بین‌المللی، تهدید خطوط هوایی بین‌المللی و حمله به هواپیماهای مسافربری از جمله نقض مقررات حقوق بشردوستانه توسط دولت عراق را رقم می‌زنند.

## منابع

- آقای، داود. (۱۳۷۵). نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل در نظم نوین جهانی. تهران: انتشارات پیک فرهنگ.
- آلوتیز، امور تایمر. (۱۳۷۹). بررسی کشور عراق (ترجمه سید جلیل صالحی). کرمانشاه: انتشارات باغ ابریشم.
- اردستانی، حسین. (بی‌تا). گزارش راوی قرارگاه نجف. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ارفعی، عالیہ. (۱۳۷۲). حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی (چاپ اول). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱). مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی (چاپ اول). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اکرمی، مهدی. (۱۳۸۱). حقوق بین‌الملل عمومی (جلد اول، چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- امیری، علی. (۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل از نظریه تا عمل (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- انتشارات اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل. (۱۳۷۳). نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (ترجمه علی میر سعید قاضی). تهران: نشر قومس.
- بخشی، محسن. (بی‌تا). پشت میله‌های رمادی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- پارسا دوست، منوچهر. (۱۳۷۱). نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پلینو، جک. سی و آلتون روی. (۱۳۷۵). فرهنگ روابط بین‌الملل (ترجمه و تحقیق حسن پستا). تهران: فرهنگ معاصر.
- پوربافرانی، حسن. (۱۳۸۸). حقوق جزای بین‌الملل (چاپ دوم). تهران: انتشارات جنگ.
- پورمحمدی، نعمت‌الله. (۱۳۸۵). حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق (چاپ اول). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- تافلر، آلون. (۱۳۷۵). جابجایی در قدرت (ترجمه شهیندخت خوارزمی). تهران: نشر سیمرغ.
- تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۷). تهران: اداره کل امور حقوقی وزارت امور خارجه.
- ثریایی آفر، حسین. (۱۳۸۲). حقوق بین‌الملل عمومی (چاپ اول). تهران: نشر قومس.
- جعفریان، رسول. (۱۳۶۹). تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهارم هجری (چاپ دوم). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جمعیت جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۱). آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی. تهران: انتشارات هلال احمر.
- چرچیل، رابین ولد، آلن. (۱۳۷۶). حقوق بین‌الملل دریاها (ترجمه بهمن آقای، چاپ اول). دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- حسینی، سید سعادت. (۱۳۸۱). حقوق امنیتی و نظامی بین‌المللی (چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات دفاعی و امنیتی دافوس.
- حسینی، سید یعقوب. (۱۳۸۷). تاریخ نظامی جنگ تحمیلی (چاپ اول). تهران: نشر اجا.
- خالوزاده، سعید. (۱۳۷۵). مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- خسروی، علی اکبر. (۱۳۷۳). حقوق بین‌الملل دفاع مشروع. تهران: مؤسسه فرهنگی آفرینه.
- خلیلیان، سید خلیل. (۱۳۷۸). حقوق بین‌الملل اسلامی (جلد اول، چاپ هشتم). دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دوردیان، محمد. (۱۳۹۰). سیری در جنگ ایران و عراق آغاز تا پایان (چاپ شانزدهم). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دوردیان، محمد. (۱۳۹۰). سیری در جنگ ایران و عراق شلمچه تا حلبچه (چاپ هفتم). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- رضایی، محسن. (۱۳۷۴). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- رضایی، محسن. (۱۳۷۶). تحلیل مراحل استراتژیک جنگ ایران و عراق. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- روسو، شاول. (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه (ترجمه سید علی لنجی). تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی.
- ریسنر، ژدهانس. (۱۳۶۷). بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، مقاله مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق (جلد دوم).
- زمانی، سید قاسم. (۱۳۷۶). حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران: بنیاد حفظ ارزش‌های دفاع مقدس.
- ستاد تبلیغات جنگ. (۱۳۶۶). ستیز با صلح (چاپ دوم). تهران.

- سرهنگی، مرتضی. (۱۳۶۹). *اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی* (چاپ چهارم). تهران: انتشارات سروش.
- سهرابی، محمد. (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل عمومی* (چاپ اول). تهران: کتابخانه گنج دانش.
- شریفی، حسین. (۱۳۷۵). *مجموعه مقالات حقوق جنگ* (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- شمس‌الدین، محمد مهدی. (۱۳۷۴). *جنگ و صلح از دیدگاه امام علی (ع)*. تهران: ترجمه و چاپ بنیاد نهج‌البلاغه.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۶۵). *اسلام و حقوق بین‌الملل*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۷۳). *حقوق جنگ*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *حقوق معاهدات بین‌المللی* (چاپ سوم). تهران: گنج دانش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *حقوق بین‌الملل عمومی* (چاپ بیست و نهم). تهران: گنج دانش.
- عطاری کرمانی، عباس. (۱۳۷۰). *روزشمار جنگ نفت* (چاپ اول).
- فروتن، سید عباس. (۱۳۸۲). *جنگ شیمیایی عراق و تجارب پزشکی آن*. تهران: نشر طبیب.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۵). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی* (چاپ اول). تهران: نشر دادگستر.
- قربانیان، ناصر. (۱۳۷۸). *اخلاق و حقوق بین‌الملل* (چاپ اول). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انتشارات سمت.
- کردزمن، آنتونی. (۱۳۸۹). *درس‌هایی از جنگ درون جنگ ایران و عراق* (ترجمه حسین یکتا، چاپ اول). تهران: نشر مرز و بوم.
- کریستوفرسی، جونز. (۱۳۹۰). *درس‌هایی از راهبرد حقوق دیپلماسی در جنگ ایران و عراق* (ترجمه داود علمایی، چاپ دوم). تهران: نشر مرز و بوم.
- کوهن، الکسی و نجف وان. (۱۳۷۵). *دیدگاه‌های بین‌المللی درباره جنگ خلیج فارس* (ترجمه محمدحسین آریا). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مایکل، اکمرست. (۱۳۷۲). *حقوق بین‌الملل نوین* (ترجمه مهرداد سیدی). تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل.
- محمدعلی پور شیرعلی، فریده. (۱۳۸۳). *دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد با تأکید ویژه بر جنگ عراق علیه ایران* (چاپ اول). تهران: نشر فرهنگ گستر.
- مسائلی، محمود. (۱۳۷۱). *جنگ و صلح از دیدگاه حقوق روابط بین‌الملل*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- مصفا، نسرين و دیگران. (۱۳۶۵). *مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل*. تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مصفا، نسرين. (۱۳۶۶). *تجاوز عراق به ایران و موضع‌گیری سازمان ملل متحد*. تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مقتدر، هوشنگ. (۱۳۷۲). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: انتشارات تابان.
- منصوری، اسماعیل. (۱۳۷۶). *بررسی حقوقی-سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات تابان.
- منصوری، اسماعیل. (۱۳۷۹). *بررسی حقوقی-سیاسی تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات تابان.
- موسی‌زاده، رضا. (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل عمومی* (چاپ دوم). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- نادری، محمد تقی. (۱۳۷۶). *دفاع مشروع تنها مجوز استعمال نیرو در روابط بین‌المللی*. تهران: نشر زیبا.
- ناصرزاده، هوشنگ. (۱۳۷۳). *اعلامیه‌های حقوق بشر*. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- واحدی، قدرت‌الله. (۱۳۸۰). *رسیدگی به جرائم ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی* (چاپ اول). تهران: نشر میزان.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۷۶). *تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۷۳). *متن نامه‌های مبادله‌شده بین رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- هدایت خمینی، عباس. (۱۳۷۰). *شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- هوشنگ، مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۷۴). *سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی* (چاپ دوم). تهران: نشر البرز.



- Aziz, T. (1981). *Iraq- Iran Conflict, Questions and Discussion* (Translated by Naj Al- Hadithu). Lhird World Center For Research and Pablishings.
- Bailey, S. D. (1972). *Prohibitions and Restraints In War*. Oxford papered.
- Bassiouni, M. C. (1992). *Crimes against humanity in international criminal law*. Martinus Nijhoff Publishers.
- Bedjoui, M. (1991). *International Law: Achievements and Prospects*. MartinusNijhoff publishers.
- Bishop, W. (1962). *International Law: Cases and Materials*. Boston: Little Brown and Company.
- Bowett, D. W. (1958). *Self-Detence in International Law*. London: Manchester University Press.
- Brierly, J. L. (1944). *The Outlook for International Law*. Oxford: Claredor Press.
- Brierly, J. L. (1949). *The Law of Nations: An Introduction to the Internation Law of peace* (4<sup>th</sup> ed.). Oxford: Clarendon Press.
- Brownle, I. (1963). *International Law and the Use of Force by States*. Oxford: Clarendon Press.
- Cassese, A. (1966). *The Current Legal Regulation for the Use of force*. MartinusNijoff publishers.
- Damrosh, & Scheffer. (1991). *Law and force in the New International order*. Westview press.
- Dekker, I. F. & Post. H. H. G. (1992). *The Culf War of 1980-1988*. Dordrecht: MartinusNijoff Publishers.
- Dinstein, Y. (1988). *War, Aggression and Self-Defence*. Cambridge Grotious Publications Limited.
- Falk, R. & Mendlovitz, S. (1966). *International Law*. New York: World Law Fund.

